



www.roshdmag.ir • رشد آموزش

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی • برای مربیان، والدین، مدیران، کارشناسان، مدرسان و دانشجویان

دوره شانزدهم • شماره ۲ • زمستان ۱۴۰۳ • ۴۸ صفحه • پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ISSN: 2476-3314



سواد مالی کودکانه

نقشه کشف هویت

سرمایه‌گذاری آینده‌نگر!

رمزگشایی از دنیای کودکی

امام صادق (علیه السلام):

**اولاد خود را زیاد ببوسید، زیرا در مقابل هر بوسه،
درجه‌ای از درجات بهشت به شما خواهند داد.**

وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۸۵



دستگاه

رشد آموزش

| فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی | برای مربیان، والدین، مدیران، کارشناسان،
مدرسان و دانشجویان | دوره شانزدهم | شماره ۲ | زمستان ۱۴۰۳ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



با بگانی مجلات



نمونه برگ اشتراک



نظرسنجی

- ۲ یادداشت سردبیر/ مرز آگاهی و آسیب/ مسعود تهرانی فرجاد
- ۴ تربیت و یادگیری/ رمزگشایی از دنیای کودکی!/ سیامک طهماسبی و مسعود تهرانی فرجاد و شادی نوروزعلی
- ۸ تربیت و حکمرانی/ سرمایه گذاری آینده نگر!/ سیدعلی خالقی نژاد
- ۱۱ کودک و خلاقیت/ شکوفه های خلاقیت بر درخت تربیت/ فاطمه اقبالی زارچ
- ۱۴ اهداف تربیت/ مقصد کجاست؟/ رقیه قنبری
- ۱۸ تربیت پویا/ نقشه کشف هویت/ انسیبه ابوطالبی
- ۲۲ تربیت کودک/ سلحشوری از کودکی/ مرتضی طاهری
- ۲۳ آیین های تربیتی/ زیر سقف بازارچه/ شکوفه همتی
- ۲۶ تربیت کودک/ جورچین رشد و یادگیری/ کیومرث سلطانی ابهری
- ۳۰ تربیت کودک/ کودکان لطیف ولی مقاوم/ سمیه مهتدی
- ۳۴ تربیت پویا/ بنای دین با آجرهای محبت/ اعظم برغمندی
- ۳۸ راهبرد تربیتی/ خلق هویت با هنر خلاق/ آتوسا جاویدی پارسبیجانی
- ۴۲ راهبرد تربیتی/ سواد مالی کودکان/ کمیل رودی
- ۴۶ تربیت پویا/ قصه ها و غنچه های ایمان/ مریم سادات میری و زهرا هاشمی

مدیر مسئول: سیدسعید بدیعی
سردبیر: مسعود تهرانی فرجاد
مدیر داخلی: سمیرا اسکندریور
هیت تحریریه:
مرتضی طاهری
دکتر بتول سبزه
دکتر سیامک طهماسبی
مشاور علمی: دکتر فرخنده مفیدی
ویراستار: بهروز راستانی
مدیر هماهنگی امور هنری: علی اصغر جعفریان
طراح گرافیک: علی دانشور

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰
تلفن دفتر مجله: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۳۵
(داخلی ۵۳۴)
صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۳۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانامه: pishdabestani@roshdmag.ir
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵
چاپ و توزیع: شرکت افست

خانواده مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجله
در دسترس عموم جامعه آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد
و همه مخاطبان در میهن عزیز اسلامی مان امکان تهیه آن را
داشته باشند.
قیمت ۱۸۰/۰۰۰ ریال

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

- مقاله هایی را که برای درج در مجله می فرستید، باید با آموزش دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا حروف چینی شود (مقاله ها می توانند با نرم افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند).
- نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قرار گرفتن جدول ها، نمودارها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود.
- مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است.
- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.
- مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود، معذور است.

مرز آگاهی و آسیب

محیط تربیت و تعالی کودک باید نیازهای رشد همه‌جانبه و یکپارچه او را، مبتنی بر فطرت یا همان ودیعه خدادادی کودک، فراهم کند؛ به نحوی که زمینه رشد و بالندگی وی را در شئون و ساحت‌های مختلف زندگی، اعم از زیستی، بدنی، ذهنی، عاطفی، روانی، دینی، هنری و... برای دوره‌های بعدی فراهم کند، به‌طوری که به کودک فرصت کسب تجربه عملی و عینی در بستر زندگی واقعی را بدهد و زمینه‌های پرورش و بروز استعدادها را وی را محقق کند.

در تقاطع دنیای متأثر از فناوری هوش مصنوعی و برنامه زندگی واقعی و تربیتی کودکان، لازم است علاوه بر بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر تربیت در اوان کودکی، به راهکارهای تحقق تربیت تمام‌ساحتی و یکپارچه در این سنین توجه کنیم. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تربیت در این سنین، محیط و اطرافیان کودک هستند. همان‌طور که در یادداشت‌های قبلی نیز تقدیم شد، ساختار وجودی کودک با وجود بسیط بودن، از یک‌سو تحت تأثیر رفتار و گفتار پدر و مادر و اطرافیان، و از سوی دیگر متأثر از محیط تربیتی و آموزشی است و کودک این تأثیرها را به شکل تعریف‌ها و گزاره‌هایی درون خود ذخیره می‌کند و در آینده مبنای رفتار و گفتار خود قرار می‌دهد. این باور پایه و اساس تربیت کودک است. از این رو محیط واقعی تربیت کودک باید برانگیزنده استعدادها و خدادادی برای تربیت اصیل و مطلوب باشد.

غفلت از ایجاد چنین محیط و فرصت‌های تربیتی-آموزشی به‌ویژه در سنین اوان کودکی، در بزرگسالی آسیب‌هایی جبران‌ناشدنی در پی دارد. به همین دلیل است که برخی دلسوزان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت کودکان، رویکرد «نه به وسایل و فناوری‌های الکترونیکی» را مبنای تربیت مطلوب برای دوره طفولیت فرزند می‌دانند.

در ادامه برخی از ویژگی‌های محیط واقعی برای تربیت مطلوب کودک در سنین طفولیت و اوان کودکی را با هم مرور می‌کنیم. دنیای مجازی و هوش مصنوعی پاسخ‌گوی نیازهای واقعی کودک و تأمین‌کننده اغلب این ویژگی‌ها نیستند، در حالی که محیط تربیت و یادگیری مطلوب باید فرصت تجربه موارد زیر را فراهم کند:

- احساس دوست‌داشتن، ارزشمندی، امنیت و حمایت عاطفی؛
- فرصت شناخت توانایی‌های خود از طریق تحرک، بازی‌های حسی-حرکتی، کنجکاوی و کاوش عناصر محیط پیرامون؛
- محیطی امن و بدون آسیب جسمی و روانی، برای کسب تجربه‌های اولیه و مهارت‌های جدید، اعم از ارتباط با گیاهان، جانوران و...؛

دنیای امروز متأثر از پیشرفت فناوری، ظهور هوش مصنوعی و شبکه‌های اجتماعی است. یکی از ملموس‌ترین تأثیرهای «هوش مصنوعی» بر سبک زندگی امروزی، گسترش «دستگاه‌های هوشمند» مانند تلفن‌های همراه است. در واقع مبنای عملکرد این دستگاه‌ها چنین است که رفتار کاربر را شناسایی و نحوه ارائه خدمات خود را بهینه‌سازی می‌کنند؛ به نحوی که به‌طور مستمر برای بهره‌برداری در زندگی کاربر پسندتر و ابزاری می‌شوند. هرچند این فناوری باعث افزایش کارایی و بهره‌وری صنایع شده، اما پیامد آن بر نحوه استفاده انسان از آن مبتنی است و در نتیجه می‌تواند آسیب‌رسان باشد.

از منظر دیگر، هوش مصنوعی بر نحوه تعامل فردی و اجتماعی ما در روابط خانوادگی، حرفه‌ای، تربیتی، آموزشی و... تأثیر قابل توجهی دارد. این تأثیر تا جایی است که به مهم‌ترین چالش‌های خانواده در نظارت، مدیریت و بهینه‌سازی تعامل فرزندان با این فضا در دوره‌های تربیتی تبدیل شده است. زیرا این فناوری جایگزین بسیاری از خلاقیت‌ها و فعالیت‌های حسی-حرکتی کودکان شده است و ما را همواره با این سؤال مواجه می‌کند که: «آیا می‌توان تعامل کودکان با این فضا را بهینه کرد؟»

بدیهی است هوش مصنوعی در زندگی روزمره ما حضوری فراگیر و فراابنده دارد. به همین دلیل، در موضوع مهم رشد و تربیت کودکان نیز تأثیر خواهد داشت. هر چند هوش مصنوعی این قابلیت را دارد که جنبه‌های گوناگون زندگی کودک را متحول کند، اما از سوی دیگر تهدیدهای بالقوه‌ای در رشد و تعالی وی محسوب می‌شود. یعنی ممکن است این فناوری و تحولات ناشی از آن برای بزرگسالان آسیب‌زا نباشد، اما برای کودکان و به‌ویژه سنین اوان کودکی ممکن است آسیب‌زا باشد؛ آسیب‌هایی نظیر استفاده نادرست و مهارنشده از محتوای نامتناسب و مغایر با ویژگی‌ها و اقتضائات رشدی و فطری کودک، گرفتن اطلاعات اشتباه و دریافت پاسخ نامناسب و احیاناً غلط در تربیت کودک.

به دلیل وابستگی هوش مصنوعی به منابع متعدد از یک‌سو، و ناهمگونی این منابع با فرهنگ و آداب و رسوم پسنیده مردم کشورهای گوناگون و مغایرتشان با زیست‌بوم هنجارها و ارزش‌های زندگی کودکان از سوی دیگر، منابع موجود هرچند وسیع از حیث کمیت، اما محدود از نظر ارتباط با ارزش‌های پسنیده زندگی کودک و والدین او، می‌توانند این اطلاعات غلط را امری کاملاً درست و مستند قلمداد کنند.

برای اینکه بتوانیم تأثیر تربیت هوش مصنوعی را بر تربیت فرزندانمان تشخیص دهیم، نیاز است به محیط رشد کودکان توجه کنیم. به‌طور کلی،

- روابط سالم و تجربه تعامل اجتماعی با همسالان، اعضای خانواده و سایر بزرگسالان دلسوز و امین؛

- پرسشگری در زمینه‌های گوناگون محیط زندگی، پدیده‌ها، خودش و اتفاقات روزمره؛

- تمرکز و دقت در انجام کار و فعالیت اعم از گفتار و رفتار؛

- محیطی غنی و فرصت‌آفرین برای ایده‌پردازی در انجام کارهای خلاقانه و کودکانه، و ارائه راه حل‌های عملی و گاه واگرا در موقعیت‌های واقعی؛

- تصمیم‌گیری در موقعیت‌های واقعی، تعامل صحیح با دیگران و ارائه راه حل ساده برای پاسخ به مسائل روزمره.

چند نکته و پرسش

هرچند برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند فناوری‌های جدید، به‌ویژه هوش مصنوعی، بر جنبه‌های گوناگون زندگی و رشد، پرورش و تربیت کودکان تأثیر قابل توجهی دارند و بازی‌های ویدئویی بر خلاقیت و قدرت فعالیت مغز در کودکان می‌افزایند و حتی گروهی معتقدند مهارت‌های ذهنی آن‌ها را بهبود می‌بخشند، اما مسلم است که تربیت و یادگیری در اوان کودکی باید تمام‌ساحتی، یکپارچه و مبتنی بر زندگی واقعی کودک باشد تا پایه‌های تربیت و رشد همه‌جانبه وی را استحکام بخشد. مهم‌ترین چالش هوش مصنوعی تعامل نداشتن با زندگی واقعی است. اساساً هوش مصنوعی به آموزشی فراتر از زبان‌شناسی و ترکیب‌داده‌ها نیاز دارد. ما باید به هوش مصنوعی آموزش دهیم که از قواعد، کلمه‌ها و استفاده محدود از گزاره‌ها فراتر رود، به طوری که نسل بعدی هوش مصنوعی درست و غلط را یاد بگیرد. در غیر این صورت برای تربیت واقعی کودکان مفید نخواهد بود.

مهم‌تر از همه، انسان‌ها و به‌خصوص کودکان، در بستر تعامل با محیط، خانواده، همسالان و دیگران رفتارهای خود را تنظیم می‌کنند، یاد می‌گیرند و ارتقا می‌دهند. آیا واقعاً هوش مصنوعی مانند انسان فکر می‌کند؟ یا برای یادگیری تدریجی، مرحله‌ای و با راهنمایی برخی انسان‌ها برنامه‌ریزی شده است؟ آیا فرصت تجربه عملی برای همدلی را فراهم می‌کند؟ آیا می‌توانیم انتظار داشته باشیم هوش مصنوعی ارزش‌ها، همدلی یا اخلاقیات را بیاموزد؟ مگر اینکه روبات‌ها به‌دقت توسط انسان هدایت شوند تا مانند کودک در دنیای واقعی درباره «درست در مقابل اشتباه» فکر کنند.

علاوه بر این، انسان‌ها کنجکاوی فطری منحصر به فردی دارند؛ به‌همین دلیل است که کودکان به‌طور مداوم مشتاق دانستن بیشتر و در تلاش برای کشف و درک جهان پیرامون خود هستند. بنابراین، آیا برنامه‌نویسی و برنامه‌ریزی ماشینی برای تربیت و یادگیری کافی است؟ آیا هوش مصنوعی می‌تواند فرصت تربیت طبیعی و تجربه کردن در دنیای واقعی را به کودک بدهد؟!

واقعیت تلخ این است که امروز و در نسل‌های دو دهه گذشته می‌توان خلأهایی را در روابط اجتماعی و عاطفی کودکان و نوجوانان ملموس‌تر درک کرد. این خود نمونه واضحی از غفلت از تربیت هوشمند و تأثیر اتکا به هوش مصنوعی در تربیت کودکان است؛ خلأهایی که متأثر از محیط غنی نیستند و در واقع به‌دلیل زندگی در تور نامحسوس و غفلت‌آور هوش مصنوعی، تربیت نسل جدید را با چالش‌های جدی مواجه کرده‌اند و به عامل مهمی در تغییرات ملموس هوش رفتاری و تعاملات اجتماعی کودکان تبدیل شده‌اند.

برای مثال کودکان زمانی را که باید به صحبت کردن، بازی کردن، نقش پذیرفتن در بازی و حتی دعوا و چالش با هم‌سن‌وسالان خود سپری کنند، به گپ‌زدن، تماشای فیلم و بازی کردن در چارچوب برنامه‌های مجازی از پیش تعیین شده در دستگاه‌های الکترونیکی و گوشی‌های همراه می‌گذرانند. کودکان برای توسعه همدلی، خودآگاهی و سایر مهارت‌های مهم، به تعامل اجتماعی و ارتباط عاطفی با دیگران نیاز دارند. اگر فضای مجازی و به تبع آن هوش مصنوعی در زندگی کودکان بیش از حد رایج شود، می‌تواند جایگزین نامناسبی برای تعامل انسانی شود و مانع بزرگ رشد همه‌جانبه، مطلوب و اصیل در دنیای واقعی آن‌ها باشد.



رمزگشایی از دنایای کودکی!

● سیامک طهماسبی

● دکترای روان‌شناسی بالینی، عضو هیئت تحریریه

● مسعود تهرانی فرجاد

● دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، سردبیر

● شادی نوروزعلی

● دکترای مشاوره توان‌بخشی

شناسایی نیازهای کودک، نقطه آغاز تربیت

اشاره

تربیت در دنیای امروز یکی از چالش‌های بزرگ والدین، مربیان و سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت هر کشور است. هرچند سرعت تغییر در دنیای امروز بالاست، اما سرعت تطبیق مناسب با این تغییرات بسیار کم است. والدین از این نگران‌اند که فرزندان ما حرف‌ها و باورهای ما را قبول ندارند. کودکان نیز از این موضوع شاک می‌کنند که والدین، مربیان و معلمان ما را درک نمی‌کنند، چون به زمان ما تعلق ندارند. هیچ جامعه‌ای بدون تعلیم و تربیت قادر به حل مشکلات و رفع موانع نیست و تنها در سایه آموزه‌های صحیح و متناسب با رشد و تعالی افراد جامعه می‌تواند به شکوفایی برسد. تحقیقات نشان می‌دهند، اگر به نیازهای افراد جامعه به‌درستی پاسخ داده نشود و از اندیشه‌های محکم علمی و فرهنگی بهره نگیرند، در میدان عمل با شکست مواجه می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: نیازهای رشدی - تربیتی، دوره پیش‌ازدبستان، اوان کودکی، تربیت اثربخش

کودکی و به‌ویژه سنین اوان کودکی، اولین و مهم‌ترین دوره زندگی آدمی است. اوان کودکی و به عبارت دیگر دوره پیش از دبستان، اولین مرحله آموزش و پرورش رسمی است و یک موقعیت اساسی و بسیار مهم برای تربیت انسان به شمار می‌رود. توجه به نیازهای تربیتی، در تعلیم و تربیت دوره پیش‌دبستانی نقش بسیار مؤثری در شکل‌گیری مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی کودکان دارد و در موفقیت آنان و شکوفاشدن استعدادهاشان برای دوره‌های تربیتی، آموزشی و حتی تحصیلی بعد بسیار کمک‌کننده است.

تربیت به مجموعه فعالیت‌هایی مداوم و جامع برای رشد و تعالی انسان، غنای فرهنگ و تکامل جامعه اطلاق می‌شود. از مهم‌ترین مسائل تعلیم و تربیت، شناخت عوامل و راه‌های مؤثر آن است تا در پرتو آن آموزش و تربیت به‌درستی و به‌طور مطلوب تأمین شود. برای موفقیت و توفیق در تعلیم و تربیت، شناسایی مراحل و دوره‌های آن ضروری است که بر اساس سن کودک باید انجام گیرد. نقطه آغاز و پایه در تربیت کودک، توجه به نیازهای اوست. نیازهای کودکان از سنی به سن دیگر متفاوت است و هم مربیان و هم والدین باید با توجه به سن کودک نیازهای او را شناسایی کنند.

هدف‌گذاری دقیق

هر مربی برای شروع مطلوب تربیت ابتدا باید هدفش را بشناسد. بداند مربی را به کجا می‌خواهد برساند، راه رسیدن به این هدف کدام است، ابزار و لوازم کدام‌اند و موانع حرکت چیستند؟! از همه مهم‌تر، مربی باید حرکت در مسیر تربیت و یادگیری را حس کند. باید عشق به حرکت و استمرار را در او آفرید. برای چنین تربیتی، والدین و مربی باید آمادگی و شناخت داشته باشند و عوامل تربیتی و به‌ویژه نیازها و طرز پاسخ به آن‌ها و تعامل سازنده با نیازهای کودک را بدانند.

در نظریه **آبراهام مزلو**، نیازهای آدمی در پنج طبقه قرار می‌گیرند که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. نیازهای جسمانی یا فیزیولوژیک؛

۲. نیاز به امنیت؛

۳. نیاز به محبت و احساس تعلق؛

۴. نیاز به احترام؛

۵. نیاز به خودشکوفایی.

همچنین، در نظریه **هنری موری** دربارهٔ شخصیت، انواع نیازها انگیزه‌های مهم رفتار آدمی هستند و با جهت‌دهی به رفتار آدمی، می‌توان وی را به‌سوی هدف رضایت‌بخش سوق داد. نیازها ممکن است برخاسته از فعالیت‌ها و فرایندهای درونی، همچون گرسنگی و تشنگی، یا حاصل رویدادهای محیطی باشند. به عقیده موری، هر نیاز از دو جزء تشکیل شده است:

۱. **جزء کیفی یا هدایت‌کننده:** نمایانگر هدفی است که انگیزش به‌سوی آن هدایت می‌شود.

۲. **جزء کمی یا انرژی‌زا:** نمایندهٔ قوت و شدت جهت‌گیری انگیزه به‌سوی هدف است.

یافته‌های پژوهشی

تحقیقات اصلی موری به تهیهٔ فهرستی مرکب از ۲۰ نیاز منجر شد.^۱ موری معتقد نبود همهٔ این نیازها در همهٔ انسان‌ها وجود دارند. او عقیده داشت بعضی از افراد ممکن است همهٔ آن‌ها را حداقل در طول یک دوره از عمر خود تجربه کنند، اما بعضی دیگر هم هیچ‌گاه بعضی از این نیازها را تجربه نمی‌کنند.

در کشور ما، در سال‌های اخیر، بر اساس منابع دینی و روان‌شناسی رشد و همچنین اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی آموزش و پرورش و برنامهٔ درسی ملی، فهرستی از نیازهای دورهٔ پیش‌ازدبستان تهیه شده است. این فهرست را خبرگان و صاحب‌نظران «شورای برنامه‌ریزی و تدوین راهنمای برنامهٔ تربیت و یادگیری دورهٔ پیش‌ازدبستان» طی جلسه‌های متمادی کارشناسی در نیمهٔ دوم سال ۱۳۹۸ آماده کرده‌اند.

نیازهای مندرج در این تحقیق مبین «ضرورت‌های تربیتی برگرفته از فاصلهٔ وضع موجود تا وضع مطلوب است» و در سه دستهٔ کلی تنظیم شده‌اند:

● نیازهای زیستی؛

● نیازهای روانی-اجتماعی؛

● نیازهای معنوی.

ترتیب نیازها نیز بر اساس غایت‌مندی آن‌ها در تحقق دستیابی به هدف و رویکرد غایی سند تحول بنیادین، بر دستیابی به مراتبی از حیات طیبه (از پایه به‌غایت) مبتنی است. اما قبل از بیان فهرست نیازها، اصول حاکم بر آن‌ها را مرور می‌کنیم. رعایت این اصول مسیر پاسخ به نیازها و تربیت مطلوب را تضمین می‌کند.

نقطهٔ آغاز و پایه در تربیت کودک توجه به نیازهای اوست. نیازهای کودکان از سنی به سن دیگر متفاوت هستند و هم مربیان و هم والدین باید با توجه به سن کودک، نیازهای او را شناسایی کنند.

اصول حاکم بر نیازها

۱. با کنترل بیرونی در کودکی شروع می‌شوند و به خودگردانی در بزرگسالی می‌رسند.
۲. در یک سلسله‌مراتب از «زیستی» به «معنوی»، و در هر طبقه از پایه به‌غایت تنظیم شده‌اند، ولی این به این معنا نیست که همه افراد همیشه باید این سلسله‌مراتب را رعایت کنند.
۳. آگاهی از نیازها در کودکی بیشتر متوجه نیازهای زیستی است، ولی به‌تدریج فرد از دیگر نیازها هم آگاه می‌شود. برآورده‌شدن نیازهای پایه‌ای می‌تواند زمینه را برای آگاهی از سایر نیازها فراهم کند.
۴. برخورد نیازها با هم می‌تواند از جنس تضاد، تعامل یا تسهیلگری باشد که در تضادها کودک به راهنمایی مربی نیاز دارد. مربی خردمند از تعامل، هم‌افزایی و تسهیلگری نیازها برای اثربخشی تربیت و یادگیری متربی استفاده می‌کند.
۵. آگاهی از نیازهای فرد فرد
مربی‌ان در تربیت و یادگیری
اثربخش و ایجاد
فرصت‌های
یادگیری نقش
حیاتی دارد.

نیازهای زیستی

- نیاز به سلامت جسم، تغذیه سالم و حلال، آب سالم و خواب کافی؛
- نیاز به سلامت محیط و هوای پاک؛
- نیاز به امنیت و ایمنی؛
- نیاز به رشد و سلامت حواس؛
- نیاز به رشد و سلامت حرکتی؛
- نیاز به هماهنگی حسی- حرکتی.

مربی خردمند از تعامل، هم‌افزایی و تسهیلگری نیازها برای اثربخشی تربیت و یادگیری متربی استفاده می‌کند.

نیازهای روانی- اجتماعی

-زبانی

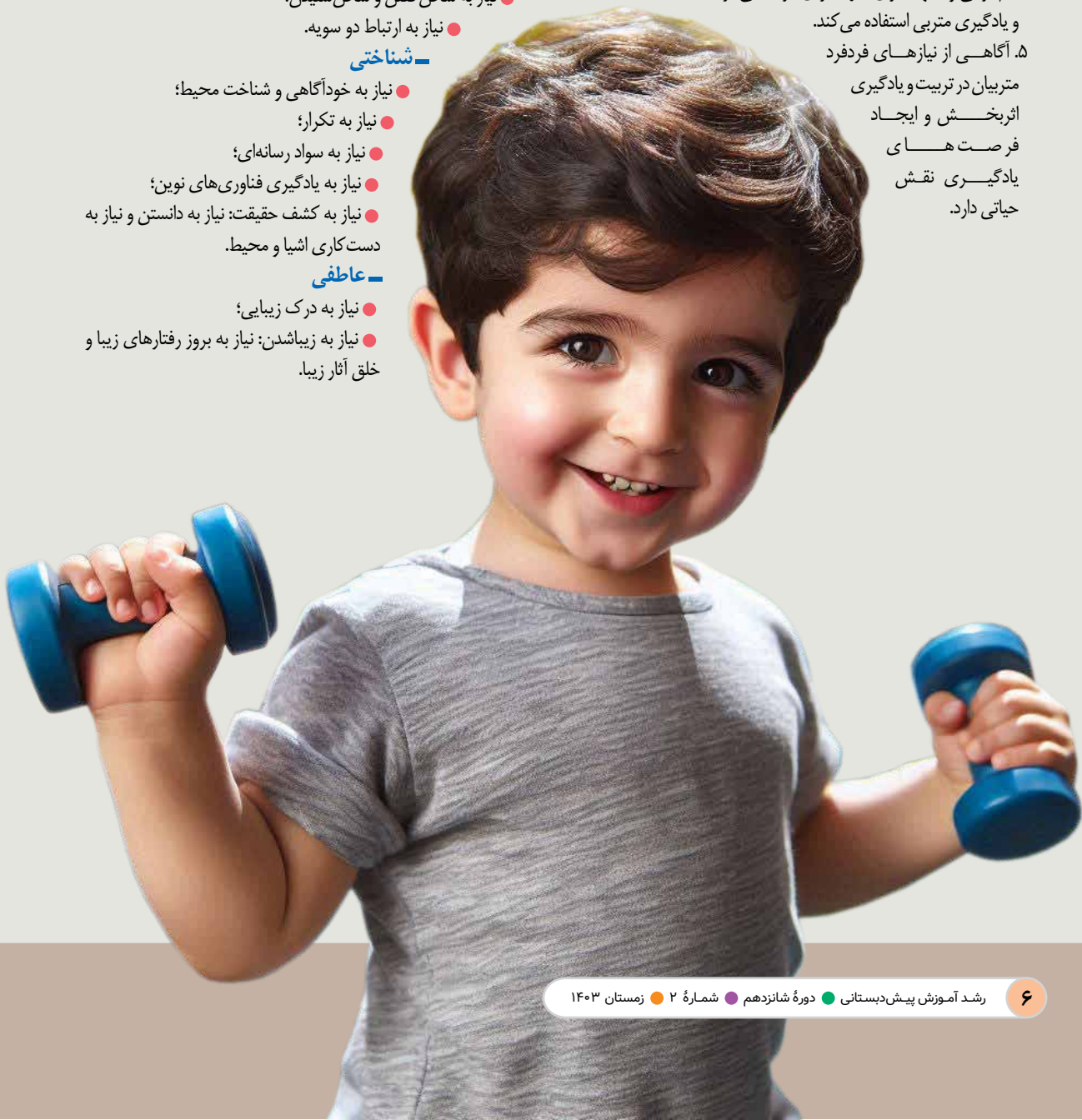
- نیاز به گسترش واژگان؛
- نیاز به درک و ساخت دستور زبان؛
- نیاز به سخن گفتن و سخن شنیدن؛
- نیاز به ارتباط دو سویه.

-شناختی

- نیاز به خودآگاهی و شناخت محیط؛
- نیاز به تکرار؛
- نیاز به سواد رسانه‌ای؛
- نیاز به یادگیری فناوری‌های نوین؛
- نیاز به کشف حقیقت: نیاز به دانستن و نیاز به دست‌کاری اشیاء و محیط.

-عاطفی

- نیاز به درک زیبایی؛
- نیاز به زیباشدن: نیاز به بروز رفتارهای زیبا و خلق آثار زیبا.



اجتماعی

- نیاز به بازی و نشاط؛
- نیاز به پذیرش؛
- نیاز به مراقب حساس و پاسخ‌گو؛
- نیاز به دریافت محبت فراوان از هر دو والد؛
- نیاز به استقلال و اعتماد به نفس؛
- نیاز به یادگیری نقش جنسیتی آینده؛
- نیاز به ابراز احساسات؛
- نیاز به تعلق و هویت.

اخلاقی

- نیاز به اعتماد و ثبات؛
- نیاز به عفاف؛
- نیاز به بخشیده شدن خطاها؛
- نیاز به ادب؛
- نیاز به خویشن‌داری.

نیازهای معنوی

- نیاز به راهنما؛
- نیاز به الگو؛
- نیاز به تولا و تبرا؛
- نیاز به شناخت خالق خود و هستی؛
- نیاز به پرستش.

پی‌نوشت

- نیاز به تسلط، ۲. نیاز به دنباله‌روی، ۳. نیاز به خودمختاری، ۴. نیاز به پرخاشگری، ۵. نیاز به خواری‌طلبی، ۶. نیاز به پیشرفت، ۷. نیاز جنسی، ۸. نیاز به شناخت حسی، ۹. نیاز به بازی، ۱۰. نیاز به نمایشگری، ۱۱. نیاز به پیوندجویی، ۱۲. نیاز به تحقیرگری، ۱۳. نیاز به طرد، ۱۴. نیاز به مهرطلبی، ۱۵. نیاز به پروردن، ۱۶. نیاز به خویشن‌پایی، ۱۷. نیاز به عمل تقابلی، ۱۸. نیاز به آسیب‌گریزی، ۱۹. نیاز به نظم، ۲۰. نیاز به فهم.

آگاهی از نیازهای فرد فرد
متربیان در تربیت و یادگیری
اثربخش و ایجاد فرصت‌های
یادگیری نقش حیاتی دارد.

منابع

- صفایی حائری، علی (۱۴۰۱). مسئولیت و سازندگی. نشر لیل‌القدر.
- شولتز، دوان پی. و شولتز، سیدنی آلن (۱۳۷۰). تاریخ روان‌شناسی نوین. ترجمه علی‌اکبر سیف و همکاران. انتشارات رشد. تهران. چاپ اول.
- مزلو، آبراهام ایچ. (۱۳۷۶). انگیزش و شخصیت. ترجمه احمد رضوانی. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد. چاپ چهارم.



سرمایه‌گذاری آینده نگر!

نقش حکمرانی در سرمایه‌گذاری برای دسترسی همه کودکان به تربیت و یادگیری

اشاره

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌های گوناگون علمی درباره ابعاد رشدی کودک و پیامدهای بلندمدت آن، به تولید دانش کافی در چند دهه اخیر منجر شده است. در چنین فضایی، ادراک بزرگسالان از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کودک و معنای آن، در مقایسه با یک سده گذشته، تا حد زیادی دگرگون شده است. لذا شاهد به رسمیت شناخته شدن حقوق کودک و سرمایه‌گذاری فزاینده کشورها روی کودک هستیم. این نوشتار می‌کوشد از این تحولات جهانی رمزگشایی کند و اقدامات عملی در دفاع از حقوق کودکان را در بافت ایران یادآوری کند.

کلیدواژه‌ها: حقوق کودک، دسترسی به آموزش، کیفیت آموزش، سهم کودک از تولید ناخالص داخلی

تلاش برای دیده شدن ظرفیت کودکان، شنیدن صدای آن‌ها و به رسمیت شناختن حقوق آن‌ها از مسائل مهم کنونی و آینده نظام‌های تعلیم و تربیت به شمار می‌آید. در ادبیات بین‌المللی، کودکی به گروه سنی 0 تا ۱۸ سال اشاره دارد. برای کودکان حقوقی در نظر گرفته شده‌اند. یکی از حقوق کودکان آموزش است. حقوق آموزشی کودک می‌تواند از این سه جنبه مورد توجه قرار گیرد: «حق دسترسی به آموزش» (آموزش و پرورش در تمام دوران کودکی و بعد از آن؛ فراهم بودن و در دسترس بودن آموزش و پرورش، و برابری فرصت‌ها)، «برخورداری از آموزش و پرورش با کیفیت» (برنامه درسی مرتبط و فراگیر، یادگیری و ارزیابی مبتنی بر حقوق بشر، و محیط کودک دوست، امن و سالم)، و «احترام به حقوق انسانی در آموزش و پرورش» (احترام به هویت، احترام به حقوق مشارکت، و احترام به تمامیت کودک).

واقعیت این است که بدون سرمایه‌گذاری مالی و مداخله جدی دولت، تحقق حق آموزش کودکان دور از دسترس خواهد بود. شیوه‌های نوین آموزش و فراگیر شدن تعلیم و تربیت در دهه‌های اخیر سبب شد گروه سنی ۷ تا ۱۸ سال در ایران از حق دسترسی به آموزش برخوردار شوند. اما حق آموزش کودکان زیر هفت سال در طول یکصد سال گذشته، برخلاف تجربه‌های بین‌المللی، همواره در ایران به‌طور جدی به رسمیت شناخته نشده است.

مطالعات بین‌الملل

شواهد زیادی از سرمایه‌گذاری عظیم دولت‌ها در بخش پیش از دبستان وجود دارد. در قاره اروپا در کشورهایی مثل دانمارک و استونی، هزینه آموزش و مراقبت از کودکان از تولد تا ورود به مدرسه، به وسیله دولت تأمین می‌شود. البته در کشورهای دیگری همچون چک، ایتالیا و بلغارستان، هزینه‌های آموزش و مراقبت به وسیله دولت یا بخش خصوصی، یا تلفیقی

از بخش‌های خصوصی و دولتی صورت می‌گیرد. میزان سرمایه‌گذاری مالی در برخی از کشورهای این قاره قابل توجه است. به عنوان نمونه، هزینه‌های عمومی آموزش و مراقبت اوان کودکی در فرانسه و کشورهای شمال اروپا بیش از یک درصد تولید ناخالص داخلی است (برای مثال، ۱/۶ درصد تولید ناخالص داخلی در سوئد و ۱/۷ درصد تولید ناخالص داخلی در ایسلند).

در قاره اقیانوسیه در نیوزیلند، دولت از سال ۲۰۰۷ سیاست فراهم کردن ۲۰ ساعت آموزش

رایگان در هفته را برای کودکان سه و چهارساله، با برنامه‌های اوان کودکی تحت رهبری معلم اجرا می‌کند و از

پنج‌سالگی، همه کودکان نیوزیلندی مدت‌هاست که از «حق شهروندی» برای تحصیل رایگان برخوردار شده‌اند. در آمریکای شمالی و جنوبی هم برای بهبود آموزش و مراقبت اوان کودکی سیاست‌هایی اتخاذ شده‌اند. در کشورهای کلمبیا، کاستاریکا و ایالات متحده آمریکا کمتر از پنج‌دهم درصد از تولید ناخالص داخلی صرف آموزش و مراقبت از دوره پیش‌دبستانی می‌شود.

در تایوان با جمعیت بیش از ۲۳ میلیون نفر، دولت در یک دهه گذشته

واقعیت این است که بدون سرمایه‌گذاری مالی و مداخله جدی دولت، تحقق حق آموزش کودکان دور از دسترس خواهد بود.

تلاش فزاینده‌ای برای دسترسی کودکان به تربیت اوان کودکی به عمل آورده و در راستای عدالت اجتماعی، حمایت از کودکان خانواده‌های محروم - خانواده‌هایی با پیشینه اجتماعی و اقتصادی پایین، از مناطق روستایی، و از اقلیت‌های قومی یا بومی تبار - هدف قرار داده است. در ویتنام، آموزش اوان کودکی در سال ۲۰۱۱ برای همه کودکان رایگان شد. مهدکودک‌هایی با حمایت دولت راه‌اندازی شدند و دولت به خانواده‌های دارای کودکان پنج‌ساله در حدود ۳۳۳ دلار آمریکا در سال یارانه می‌دهد.

در چین نیز دولت مرکزی در قالب طرح ملی ۱۰ ساله (۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰)، با عنوان «برنامه ملی توسعه و اصلاح آموزشی بلندمدت و میان‌مدت»، سیاست‌های مهمی را در دوره پیش از دبستان اجرا کرد و در کمتر از ۱۰ سال، نسبت کودکان در مهدکودک‌های دولتی به خصوصی را به بیش از ۵۰ درصد افزایش داد که از مشکل استطاعت مالی خانواده‌ها برای ثبت‌نام کودکان در مراکز مهدکودک کاست.

سهم کودکان ایران

واقعیت این است که سرمایه‌گذاری مالی ایران برای آموزش و مراقبت در اوان کودکی، در مقایسه با کشورهای بین‌المللی، بسیار کم است. کافی است بودجه سازمان و نهادهای



پی‌نوشت

1. National Plan for Medium- and Long-term Education Reform and Development

منابع

۱. امیری، معصومه؛ قاندى، یحیی؛ ضرغامی، سعید؛ حاجی‌حسین‌نژاد، غلامرضا (۱۳۹۴). «بررسی چارچوب مفهومی حقوق تربیتی کودک». فصلنامه پژوهش در تعلیم و تربیت، ۱(۲)، ۴۶-۳۱.
2. Bertram, T. and Pascal, C. (2016) Early Childhood Policies and Systems in Eight Countries: Findings from IEA's Early Childhood Education Study, Hamburg: International Association for the Evaluation of Educational Achievement (IEA).
3. Chris, C. L. A. R. K. E. (2023). PF3. 1: Public spending on childcare and early education-Definitions and methodology Key findings.
4. Knippenberg, E. W. Y. L., Redaelli, S., Infanzon Guadarrama, M., Mostafavi-Dehzoeei, M. H., Hrast Essenfelder, A., Osman, E. A. M., ... & Zaidi, S. (2023). Iran poverty diagnostic-poverty and shared prosperity.
- Leung, S. K., & Chen, E. E. (2017). An Examination and Evaluation of Postmillennial Early Childhood.
5. May, H. (2008). Towards the right of New Zealand children for free early childhood education. *International Journal of Child Care and Education Policy*, 2, 77-91.
6. Xie, S.; Li, H. (2020), Accessibility, affordability, accountability, sustainability and social justice of early childhood education in China: A case study of Shenzhen. *Child. Youth Serv. Rev.* 118, 105359.

متولی و ذی‌ربط در تعلیم و تربیت کودک در سال‌های گذشته رصد شود. علاوه بر این موضوع، مشکلات اقتصادی در یک دهه گذشته، خانواده‌های زیادی را با چالش‌های جدی مواجه کرده و امکان سرمایه‌گذاری خصوصی والدین را روی کودکان کاهش داده است. تا جایی که به گفته نپی‌نبرگ و همکارانش (۲۰۲۳)، با وجود اینکه از زمان انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، ایران پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه کاهش فقر داشته است، بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ حدود ۱۵ میلیون ایرانی دچار مشکلات اقتصادی شده‌اند، سرانه تولید ناخالص داخلی (جی‌دی‌پی) با نرخ سالانه ۰/۶ درصد کاهش یافت و آسیب‌پذیری خانوارهای ایرانی افزایش پیدا کرد و درصد قابل توجهی در روستاها در معرض فقر قرار دارند.

در مجموع، سرمایه‌گذاری مالی برای دسترسی به آموزش و آموزش باکیفیت-به‌ویژه در برهه کنونی که در بسیاری از کشورهای بین‌المللی روی توانمندسازی کودکان (نیروی انسانی آینده) کار می‌کنند-هم یک ضرورت ملی برای تربیت نسل آینده و نیروی انسانی به مثابه عوامل مؤثر در پیشرفت کشور است و هم بخشی از حقوق کودکان ایرانی است و در نگاهی آینده‌گرا، جهاد برای رفع مشکلات اقتصادی و فقر به شمار می‌آید.





شکوفه‌های خلاقیت بر درخت تربیت

اهمیت خلاقیت و محیط خلاق در تربیت کودک

اشاره

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، به سرعت در حال تغییر است و سرعت این تغییر هرگز به این تندی نبوده، ضروری است که توانایی، مهارت و خلاقیت کودکان پرورش داده شود تا برای زندگی بهتر آماده شوند. از سوی دیگر، با توجه به شتاب رشد فناوری‌های پیشرفته و ارتقای سطح زندگی، پرورش استعداد های خلاق ضروری است.

کلیدواژه‌ها: تفکر خلاق، بستر خلاقیت، تخیل کودک، کنجکاوی

با بررسی آرای دانشمندان چنین استنباط می‌شود که آنان تا حدودی در مورد این نکات اتفاق نظر دارند:

- اول آنکه خلاقیت چون دیگر استعدادهای بشر تا حدود زیادی اکتسابی است و مختص افراد ویژه نیست.
- دوم آنکه رشد خلاقیت محتاج شرایط و طی مراحل آموزش و پرورش ویژه است.

عوامل مؤثر بر خلاقیت کودک

محیط به صورت‌های متفاوتی بر شخصیت و افزایش خلاقیت کودک تأثیر می‌گذارد. گفته می‌شود، از طریق محیط فیزیکی و اجتماعی، کودکان دانش و مهارت‌های لازم برای فهمیدن را می‌آموزند. همچنین، برای این دوران ویژگی‌هایی ذکر می‌شوند که با تحریک و اثرگذاری روی آن، می‌توان خلاقیت را در کودک افزایش داد:



لزوم تمرین و آموزش مناسب در ایجاد تفکر خلاق در فرد انکارناپذیر است. می‌توان با ایجاد شرایط محیطی مناسب، تفکر خلاق را به فرد آموزش داد. اما خلاقیت به آنچه بستر خوانده می‌شود نیز نیاز دارد. پذیرش این نکته فضا را به عنصری پویا که گویی همه چیز در آن برای اولین بار تجربه می‌شود، تبدیل می‌کند؛ فضایی که قابلیت گسترش هرگونه ادراکی را داراست تا بتواند مخاطب را با محیط درگیر کند. محققان بسیاری نقش عوامل محیطی را در افزایش و کاهش خلاقیت بررسی کرده‌اند.

مفهوم خلاقیت

بررسی منابع حاکی از آن است که مفهوم واژه خلاقیت در طول زمان دگرگون شده است. این‌طور به نظر می‌رسد که وقتی بسترهای سیاسی، اجتماعی و آموزشی حاکم دچار تغییر می‌شوند، معیارهای ارزش‌گذاری و قضاوت نیز تحول پیدا می‌کنند. قدرت خلاقه موجب تحقق هدف‌ها و سلامت جامعه و انسان‌ها می‌شود.

تخیل: برخی صاحب‌نظران تعلیم‌وتربیت کودک معتقدند، تخیل کودک اساس خلاقیت اوست. کودکان قدرت تخیل شگفت‌انگیزی دارند که در سنین چهار تا هفت سالگی به اوج خود می‌رسد. آن‌ها با استفاده از چنین قوه تخیلی قادرند واقعیت‌ها را مطابق آنچه در درونشان وجود دارد، تغییر دهند. این تغییر واقعیت‌ها می‌تواند برای کودک خوشایند یا هولناک باشد. در صورت خوشایندبودن سهم بزرگی را در رشد خلاقیت کودک خواهد داشت. در الگوی بوهیم، دو فعالیت ذهن که با هم مرتبط و از هم متأثر هستند، مورد نظر قرار می‌گیرند: «بصیرت» (بینش) تخیلی و تعلق، و «پندار» (توهم) تخیلی و تعلق. در جریان بینش تخیلی، فرد گویا قادر به دریافت نقش‌ها و تصویرهایی بدیع و خلاقانه می‌شود.

کنجکاوی: کنجکاوی از محرک‌های مهم در یادگیری و خصوصیتی است که با تحریک آن می‌توان خلاقیت را در فرد تقویت کرد. این ویژگی باعث می‌شود، کودک در مسیر کشف و شناخت گام بردارد و قوه تخیل او تحریک شود. در رویکرد شناختی گفته می‌شود: کشف و شناخت موجب می‌شود کودک اعتمادبه‌نفس پیدا کند و به جهش‌های شهودی خلاق دست یابد.

پیچیدگی و تحریک‌کنندگی محیط

مشکلات محیط-رفتاری بر اثر کم‌تحریکی یا کمبود محرک پیش می‌آیند. محروم کردن افراد از تحریکات حسی موجب اضطراب شدید و ناهنجاری‌های روانی می‌شود. محیط پیچیده و تحریک‌کننده، هیجان را بازآفرینی می‌کند و احساس خوبی برای کشف کردن محیط به افراد می‌دهد. بنابراین، «پیچیدگی» و «تحریک‌کنندگی» محیط‌های ساخته‌شده، از جمله خصوصیات مؤثر بر خلاقیت کودک هستند.

پیچیدگی: بسیاری از مردم پیچیدگی را قرارگرفتن نامنظم اجزای متنوع تعریف می‌کنند، درحالی که دو نوع مجزا از تعریف پیچیدگی وجود دارد: «سازمان‌دهی‌شده» (منظم) و «غیرسازمان‌دهی‌شده» (نامنظم). برای مثال، شکل‌ها و تصویرهای به‌کاررفته در قصه یا بازی جورچین به‌نوعی پیچیده اما منظم هستند

مشکلات محیط-رفتاری بر اثر کم‌تحریکی یا کمبود محرک پیش می‌آیند. محروم کردن افراد از تحریکات حسی موجب اضطراب شدید و ناهنجاری‌های روانی می‌شود.

تحریک‌کنندگی: تحریک نیز زمانی رخ

می‌دهد که میزان اطلاعات موجود در محیط از ظرفیت پذیرش و درک انسان فراتر رود. انسان‌ها قادرند به طرز مطلوبی با سطوح متوسط و میانه تحریک کنار بیایند. همان‌گونه که تحریک بیش‌ازحد باعث اختلال در عملکرد می‌شود، نبود تحریک و انگیزه کافی نیز ممکن است «سازوکارهای» (ارگانیسم) عملی انسان را از تطبیق موفقیت‌آمیز با چالش‌های محیطی محروم کند. سطح تحریکی که فضا در انسان به وجود می‌آورد، با ویژگی‌های فضاهای داخلی ارتباط مستقیم دارد. این ویژگی‌ها به‌طور عمده باعث تحریک حواس انسان از جمله دو حس بینایی و شنوایی می‌شوند.

متغیرهای گوناگون محیطی در افزایش میزان تحریک مؤثرند؛ از جمله:

- الگوهای نامربوط فضایی در فضا؛
- پیچیدگی و رمزآمیزبودن فضا؛
- تراکم زیاد الگوهای فضایی؛
- نور موجود در فضا؛
- میزان گرما و رطوبت؛
- شکل و فرم فضا؛
- شدت تنوع و تغییر ناگهانی در فضا.



منظور از تنوع و تغییر ناگهانی در فضا، قرار گرفتن محرکی جدید در کنار سایر محرک‌ها یا در اختیار فرد قرار گرفتن به یک‌باره گستره وسیعی از محرک‌هاست. ایجاد فضای باز در کنار فضاهای بسته داخلی، استفاده از عناصر متحرک در محیط، استفاده از شکل‌های (فرم‌های) جدید، ایجاد اختلاف سطح در فضا و فضاهای دیگر، ایجاد تضاد در رنگ‌آمیزی و نورپردازی فضای تاریک در کنار فضاهای روشن و برعکس، و استفاده از مصالح دارای بافت‌های متفاوت، نمونه‌هایی از ایجاد تنوع و تغییر ناگهانی در فضا هستند.

با عنایت به پیشینه پژوهشی بیان شده ادعا می‌شود، تحقیقات مرتبط با خلاقیت اهمیت و ضرورت دارند و پژوهشگران در طول دهه‌ها موضوع‌های گوناگونی را در ارتباط با خلاقیت بررسی کرده‌اند.

منابع

۱. عباسعلی‌زاده، ساناز؛ کالئی، رضا؛ طباطبائی‌ان، مریم؛ فیاض، ریما (۱۳۹۵). «تحلیلی بر تأثیر محیط‌های ساخته‌شده بر خلاقیت کودک (بررسی ویژگی‌های محیطی مؤثر بر خلاقیت کودک در مراکز کودک تهران)». نشریه باغ نظر. سال سیزدهم. شماره ۴۳.
۲. نقره‌کار، عبدالحمید؛ مظفر، فرهنگ؛ صالح، بهرام؛ شفایی، مینو (۱۳۸۸). «طراحی فضای مهد کودک بر اساس رابطه بین صفات خالقیت و ایده‌های معمارانه». فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. سال هشتم. شماره ۳۸. زمستان.
۳. ابراهیمی، نسیم و طباییان، سیده‌مرضیه (۱۳۹۴). «بررسی عوامل ایجاد خلاقیت در طراحی مهد کودک». همایش بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری. پنجمین دوره برگزاری.



مقصد کجاست؟

مروری بر پیشینه اهداف دوره پیش دبستانی

از هدف‌های مندرج در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مصوب دوره پیش دبستان، با عناصر یا همان شایستگی‌های پایه در برنامه درسی ملی تقدیم شما عزیزان شده است.

انتظار می‌رود مطالعه و مذاقه در این موارد به آگاهی و شناخت بیشتر مدیران و مربیان برای تربیت کودکان منجر شود. در برنامه درسی ملی پنج محور به عنوان عناصر شایستگی پایه در نظام تعلیم و تربیت کشور نام برده شده‌اند که عبارت‌اند از: **تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق**. این عناصر در شبکه‌ای مفهومی، مرتبط و به هم تنیده، متناسب با نیازها و شرایط تربیتی، می‌توانند مسیر تربیتی وی را سامان و عمق بخشند. در میان این عناصر پنج‌گانه، عنصر «تعقل و تفکر» جنبه محوری دارد و سایر عناصر پیرامون آن تعریف و تبیین می‌شوند.

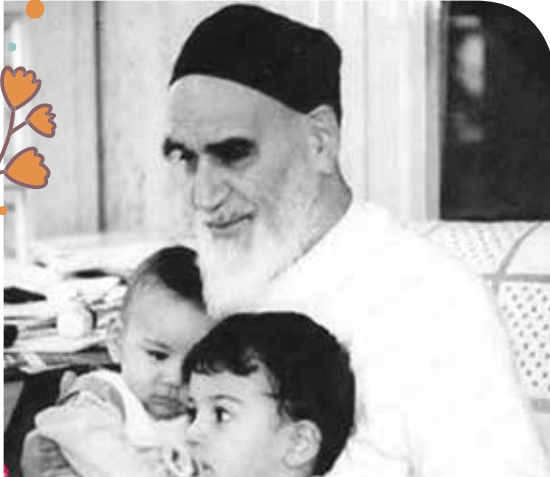
در ادامه، با هم‌نگری هدف‌ها و محدوده محتوای برنامه‌ها و فعالیت‌های دوره پیش دبستانی را با عناصر برنامه درسی ملی مرور می‌کنیم.

کودکان امروز، نوجوانان و جوانان فکور و مؤثر جامعه فردا و نیز پیران فرزانه و راهنمایان جامعه در آینده خواهند بود. کودکان دوره پیش دبستانی بیش از هر زمان دیگری آماده پذیرش آداب و رفتارهای مطلوب‌اند.^۱ برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش دبستان (مصوب ۷۷۰ شورای عالی آموزش و پرورش-۱۳۸۷)، با توجه به نیازها و علاقه‌های خدادادی و طبیعی کودکان، تلاش دارد بر مبنای اصول و تعالیم مکتب حیات بخش اسلام و با بهره‌گیری از تجربه‌های مفید بشری، ضمن تعامل با خانواده و مربیان توانمند و با انگیزه، زمینه بروز خلاقیت‌ها و شکوفایی استعدادها و فطری را در کودکان فراهم آورد.

از آنجا که هدف‌های برنامه‌ها و فعالیت‌های دوره پیش دبستانی (مصوبه مزبور)، پیش از برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش-۱۳۹۱) تدوین و تصویب شده، در این نوشتار سوابق با هم‌نگری هدف‌های یازده‌گانه و محدوده محتوای ذیل هر یک



عنصر اول: تعقل و تفکر / توسعه مهارت‌های تفکر و تعقل^۲



- کنجکاو در مورد توانایی‌های خود و شناخت محیط پیرامون، اعم از گیاهان، جانوران و...؛
- پرسشگری در زمینه‌های گوناگون محیط زندگی، پدیده‌ها و اتفاقات روزمره؛
- توجه کردن به محیط پیرامون و آنچه مشاهده می‌کند؛
- تمرکز و دقت در انجام کار و فعالیت، اعم از گفتار و رفتار؛
- ایده‌پردازی در انجام کارهای خلاقانه و ارائه راه حل‌های عملی جدید در موقعیت‌های گوناگون؛
- بیان دلایل منطقی ساده برای فعالیت‌های خود و در مواجهه با پرسش‌ها؛
- تصمیم‌گیری در موقعیت‌ها، تعامل صحیح با دیگران و ارائه راه حل ساده برای مسائل روزمره؛

- تشخیص:

- توالی رویدادها (حوادث قصه‌ها و دنیای پیرامون)؛
- رنگ‌ها، طعم‌ها، بوها، دما، زبری، نرمی و...؛
- اندازه و مقدار (کوچک و بزرگ، بلند و کوتاه، پر و خالی، جاق و لاغر، و کم و زیاد)؛
- مفهومی‌های فضایی (زیر و رو، داخل و خارج، بالا و پایین و...؛

- اشیا و اشکال و ویژگی‌های آن‌ها (چهار گوش، گردی و سه گوش)؛
- اندازه اشیا بدون ابزار استاندارد (وزن، مقدار، درازا و پهنای)؛
- رابطه کل و جزء؛

- تعلق نداشتن یک شیء به یک مجموعه؛
- تفاوت‌ها و شباهت‌های پدیده‌های پیرامون؛
- زیر و بمی و پیدا کردن منبع و جهت صدا؛
- صداهای پیرامون (ریزش باران، صدای سم اسب، صدای حیوانات، ضربان قلب، آژیر، بوق و...؛

- دسته‌بندی بر اساس دو تا سه ویژگی (اندازه، رنگ و شکل)؛
- مرتب کردن از کوچک به بزرگ، کوتاه به بلند، کم‌رنگ به پررنگ (و برعکس)؛
- برقراری تناظر یک به یک بین اعضای دو مجموعه.

عنصر دوم: ایمان و باور مبتنی بر علاقه

- خداوند خالق هستی و یکتاست؛ همه نعمت‌ها از لطف و مهربانی خداوند است؛
- قرآن سخن خداست؛
- خداوند، پیامبر اکرم (ص) و معصومان (ع) دوستدار کودکان هستند و کارهای خوب را یاد می‌دهند؛
- افتخار به مسلمان و ایرانی بودن؛
- علاقه‌مندی به رهبران دینی و ملی (امام خمینی (ره)، مقام رهبری، رئیس‌جمهور و...؛

- علاقه به حضور در مناسبت‌های دینی و ملی (مبعث، غدیر، عید نوروز، شب یلدا و...؛
- علاقه به زیبایی‌های آفرینش در محیط زندگی (جنگل، پارک، کوه، خانه، خیابان و...).

عنصر سوم: علم / توسعه دانش

و آگاهی

آشنایی با:

- اندام‌های بدن خود و راه‌های حفظ سلامت آن‌ها؛
- تغذیه سالم و مفید، آداب خوردن و آشامیدن؛
- برخی از نعمت‌های ملموس و عینی خداوند (گیاهان و جانوران)، آب و باران، میوه، خوراکی‌های مفید، آسمان و زیبایی‌های آن (خورشید و آفتاب، ماه و مهتاب، ستارگان، روز و شب، ابر و...؛
- برخی از صفات خداوند یکتا از طریق آموزه‌های قرآنی (مهربانی، بخشنده و...؛
- پیامبر اکرم (ص) و معصومان (ع) و برخی آموزه‌های رفتاری آن‌ها در رابطه با کودکان؛
- برخی مقررات عبور و مرور (چراغ راهنما، پل عابر پیاده و...؛
- برخی از مشاغل (معلمی، پزشکی، پلیس بودن، کشاورزی، رفتگری و...؛
- نحوه زندگی مردم (شهری، روستایی و چادر نشینی)؛
- نقش و وظایف اعضای خانواده خود؛
- خویشان و همسایگان، و پرهیز از ارتباط با افراد ناآشنا؛
- مکان‌های مذهبی (مسجد و زیارتگاه‌های معتبر محلی و بومی و مشهور مانند، مشهد، قم، کربلا و...؛
- آداب و رسوم و مناسبت‌های دینی و ملی (مبعث، غدیر، نوروز، روز مادر و پدر و...؛
- نمادها و نشانه‌های جمهوری اسلامی ایران (سرود، پرچم و نقشه)؛
- بعضی از رسانه‌ها و نحوه صحیح استفاده از آن‌ها (رادیو، تلویزیون، رایانه و...؛

لزوم تمرین و آموزش مناسب در ایجاد تفکر خلاق در فرد انکارناپذیر است. با ایجاد شرایط محیطی مناسب می‌توان تفکر خلاق را به فرد آموزش داد.

- میراث فرهنگی (مکان‌های تاریخی، آداب و رسوم پسندیده، پوشش اسلامی و...)
- نحوه حفاظت از محیط زیست (هوا، آلوده‌کننده‌ها و تفکیک زباله‌ها).

عنصر چهارم: عمل / پرورش (توسعه)

مهارت‌های عملی

- انجام دادن کارهای شخصی (لباس پوشیدن، غذا خوردن، حمام کردن، مراقبت از وسایل شخصی و...)

- آمادگی برای خواندن و نوشتن (درک پیام تصویر، ارتباط بین بخش‌های متفاوت تصویرها، صحیح به‌دست گرفتن مداد، دور کشی شکل‌ها، وصل کردن خط‌چین‌ها و نقطه‌ها، ترسیم خط‌های جهت‌دار و منظم)؛
- درک هسته معنایی پیام کلامی و غیر کلامی؛
- انجام صحیح فعالیت‌های جسمی و حرکتی (نشستن، راه رفتن، چرخیدن، جهیدن، پریدن و...)
- تقویت و هماهنگی توانایی‌های جسمی - حرکتی (الی‌لی کردن، راه رفتن روی سطح شیب‌دار و خط‌های زاویه‌دار، هدف‌گیری، سوزن‌نخ کردن (سوزن بزرگ و نوک گرد)، دوختن، تاکردن، چسباندن، پرو خالی کردن، بستن و باز کردن بند کفش، باز و بسته کردن دکمه، ترسیم رنگ کردن، تقلید از حرکت‌ها، حمل صحیح اشیاء، پرتاب و دریافت اشیاء؛
- خلق آثار هنری یا اجرای آن از طریق
- کاردستی، نقاشی، نمایش خلاق و بیان و خلق داستان و...؛
- بیان و خلق داستان ساده، کوتاه و کودکانه؛
- رعایت بهداشت (غذا خوردن، پوشاک، رفتار در مکان‌های عمومی و...)
- مراقبت از خود هنگام انجام فعالیت‌ها و بازی‌ها، حوادث، استفاده از وسایل و...؛
- بیان خواسته‌ها و اندیشه‌ها در حضور دیگران؛
- مشارکت در فعالیت‌های جمعی و گروه‌های کوچک؛
- به‌کارگیری واژه‌ها، ساخت‌های دستوری و کارکردهای متناسب با موقعیت؛
- درک عناصر زبر زنجیری زبان (تکیه، لحن، آهنگ، مکث، زیر و بمی و...) و به‌کارگیری آن‌ها؛



پی‌نوشت‌ها

۱. فرمایش معصومان (ع):
(الف) أَلْعَلُّ فِي الصَّغَرِ كَالْتَّقَشِ فِي الْخَجَرِ؛ آموختن در کودکی مانند نقش روی سنگ ماندگار است. (کنزالفوائد ج ۱ ص ۳۱۹)
(ب) قَبَادِرُكَ بِالْأَدَبِ قَبِيلٌ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ؛ (تحف العقول ص ۷۰)، (فرزندم) قبل از آنکه دلت سخت و فکرت مشغول گردد به تربیت تو پرداختم.
۲. محدوده محتوا را می‌توان در چهار محور تبیین کرد: رابطه با خویش، رابطه با خداوند، رابطه با خلق و رابطه با خلقت.

منابع

۱. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران - آذرماه ۱۳۹۱
۲. راهنمای برنامه و فعالیت آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستانی - ۱۳۸۷

- استفاده مناسب از قواعد حاکم بر گفتمان (رعایت نوبت، انسجام در گفتار و...)
- بیان احساسات از طریق مهارت‌های کلامی و غیر کلامی؛
- پیروی از دستورالعمل‌ها و فرمان‌های ساده (تا سه فرمان)؛
- بیان و توصیف محیط زندگی؛
- مهارت حفظ و مراقبت از گیاهان (آبدادن به گیاهان، خودداری از شکستن شاخه‌ها و...)
- مهارت اولیه در حفظ و مراقبت از حیوانات اهلی (غذادادن به آن‌ها، خودداری از آزار دادن آن‌ها و...)
- مهارت نسبی در استفاده درست از منابع و وسایل (آب، برق، کاغذ و...)
- گوش دادن به قصه‌های کودکان؛
- انجام فعالیت‌های خلاقانه؛
- شنیدن داستان‌های قرآنی و حفظ برخی از آیات و سوره‌های کوتاه و پیام‌های قرآنی؛
- اجازه گرفتن از دیگران برای استفاده از وسایل آن‌ها؛
- رعایت آداب اجتماعی (سلام کردن، خداحافظی، تشکر کردن، عذرخواهی، در زدن هنگام ورود، رعایت قوانین گروهی و...).

عنصر پنجم: اخلاق

- علاقه‌مندی به حفظ سلامت خویش؛
- رغبت به انجام کارهای خوب (نظافت و آراستگی، نظم‌پذیری و...)
- مهربانی کردن با والدین و دوستان؛
- تشکر از کارهای خوب دیگران؛
- رعایت ادب و احترام به مربی، دوستان و خویشاوندان؛
- احترام به خدمتگزاران در جامعه؛
- ابراز محبت، همدلی و همدردی با دیگران؛
- ابراز خوش‌حالی و تقدیر از کارهای شایسته دیگران؛
- ابراز ناخشنودی از کارهای ناشایست؛
- تمایل به گوش دادن نظر دیگران؛
- علاقه به کارهایی که خدا دوست دارد؛
- ارزش‌گذاری بر کارهای خود، مشاهده‌ها و مطالب شنیده‌شده از دیگران؛
- رعایت آداب ظاهری ارتباط با قرآن؛
- شکرگزاری از خداوند برای نعمت‌های او (سلامت بدن، خوراکی‌های مفید، گیاهان، باران و...)
- امانت‌داری و حفظ اموال عمومی و محیط زیست؛
- هدیه‌دادن در موقعیت‌های مناسب؛
- صبر و تحمل در کارها.

نکته پایانی

آنچه در این دسته‌بندی به‌عنوان محدوده محتوا یا مصداق‌های ذیل هر یک از عناصر پنج‌گانه برنامه درسی ملی آمده، هرچند ممکن است در مواردی هم‌پوشانی داشته و گاه به تدقیق بیشتری نیاز داشته باشد، اما برای تقریب ذهن و هم‌افزایی برنامه‌ریزان و مربیان دلسوز و کوشا تدوین و تقدیم شده است.

نقشه کشف هویت

تربیت دینی، مسیری مطمئن برای هویت‌یابی کودک

اشاره

سنین کودکی دوران مهمی در زندگی افراد است. کودک در این دوران بر اساس فطرت خود، پذیرنده نقش‌ها و شخصیت‌های متفاوتی خواهد بود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، چنانچه نظام تعلیم و تربیت بر اساس فطرت کودک طراحی شود، می‌تواند تأثیر مثبت و بلندمدتی بر موفقیت او داشته باشد و زمینه‌ساز تقویت ارزش‌های اخلاقی و تقویت هویت دینی در وی شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، هویت دینی، فعالیت‌های مذهبی

هویت دینی

هویت مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، مفهومی، اجتماعی، فرهنگی، تمدنی و روانی است که سبب شناسایی فرد از دیگر افراد گروه یا دیگر افراد متعلق به فرهنگ و تمدن دیگر می‌شود.

هویت سطوح و سلسله‌مراتب متفاوتی دارد؛ از جمله **هویت فردی، هویت ملی، هویت دینی**. هویت دینی یکی از ارکان هویت جمعی ایرانیان را تشکیل می‌دهد، زیرا بنا به دلایل متعدد تاریخی، عناصری مانند مذهب و معنویت بخش به‌نسبت پایدار هویت ایرانیان محسوب می‌شوند. بعد دینی یا مذهبی از ابعاد مهم هویت است و رابطه آدمی و دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، در هویت دینی قابل تبیین و توضیح است. مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، (دامت برکاته) معتقدند: «هویت ملی در مقابل هویت دینی نیست، بلکه مجموعه باورها، خواسته‌ها و رفتارهای یک ملت است و طبیعی است که اعتقادات و باورهای یک ملت مؤمن و موحد نیز جزو عناصر تشکیل‌دهنده هویت ملی باشد.»

هویت دینی از دین منشأ می‌گیرد و در واقع به‌تبع دین تعریف و تبیین می‌شود. در پرورش، هویت دینی در راستای تربیت دینی نقش‌آفرینی می‌کند. منظور از تربیت دینی تربیتی است که هدفش رشد و پرورش انسان دین‌دار است.

بنابراین، توجه به تربیت دینی کودکان به ارتقای هویت دینی آن‌ها کمک خواهد کرد.

یکی از دغدغه‌های مهم والدین و مربیان مسئله تربیت است. امام خمینی (ره) تربیت را مسئله اساسی حیات بشر می‌داند که در پرتوی آن انسان به حیات آرمانی خود دست می‌یابد. همچنین همه امور را مؤثر بر تربیت انسان می‌شمارد. از این رو بر اساس اندیشه والای ایشان، نظام تعلیم و تربیت نیز باید بر محور تربیت دینی و پرورش ارزش‌های اخلاقی تدوین شود. در بیان ایشان، انسان دارای فطرت الهی خلق شده است که باید شکوفا شود. از آنجا که تربیت ناصحیح می‌تواند جلوی شکوفایی آدمی را بگیرد، لذا نظام تعلیم و تربیت باید با ویژگی فطری انسان موافق باشد.

انسان در بعد معنوی، هم خداجو و هم خداخواه است. او علاوه بر اینکه فطرتاً دنبال خدا می‌گردد، او را نیز دوست دارد. روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که فرمودند: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ»؛ هر فرزندی بر اساس فطرت به دنیا می‌آید (بحار الانوار، ج ۲۸۱:۳). همچنین آمده است: «الْفِطْرَةُ هِيَ التَّوْحِيدُ»؛ یگانه‌پرستی آمیخته با فطرت اوست (بحار الانوار، ج ۲۷۸:۳).

پس لازم نیست یگانه‌پرستی را به کودک تحمیل کرد. فقط باید به او کمک کرد استعدادهایش شکوفا شوند. انسان علاوه بر توحید که به عقل نظری مربوط است، بسیاری از دستورات عقل را نیز درک می‌کند. او در همان اوان کودکی می‌فهمد که ظلم، قبیح و عدل حسن است. او فطرتاً می‌داند که فحش، دروغ و خیانت دور از انسانیت است. این‌ها نیز جزو فطریات او و مربوط به عقل عملی هستند. بنابراین بسیاری از دستورات عقل نظری و عملی در فطرت انسان به ودیعه گذاشته شده‌اند.

تربیت دینی

کارهای روزمره، محبت و احترام به والدین، و مواردی از این قبیل جزو آموزه‌ها و مفاهیم دینی هستند. یادمان باشد، بچه‌ها در محیطی که در آن ایمان زنده است، مؤمن بار می‌آیند.

کارگاه هنری

در آشنا کردن بچه‌ها با دین و مذهب، بهتر است با اشاره به زیبایی‌های دین، گرایش بچه‌ها را به این موضوع‌ها بیشتر کنیم و به پیام‌های خدانشناسانه آن بپردازیم نه بحث ظاهری. ما می‌کوشیم فهرستی از نکته‌های قرآنی و احادیث ائمه (ع) را که با دوران کودکی متناسب هستند، تهیه کنیم و ضمن بیان اینکه دین اسلام دین خوبی‌هاست، به این ویژگی‌های نیک و خوبی‌ها بپردازیم و از همین نکته‌ها در روش‌هایی مانند نقاشی، کار دستی، شعر و سرود، نمایش خلاق و... استفاده کنیم. همه این کارها فقط به خاطر آن هستند که کودک از طریق با دین و آموزه‌های دینی آشنا شود و به‌مرور در زندگی‌اش از آن‌ها بهره بگیرد.

برپایی مراسم مذهبی

یکی از بسترهای رشد و معنویت در کودکان، هیئت‌های مذهبی است. حال اگر آن هیئت «حسینیّه کودک» داشته باشد، خاطرات خوشی در ذهن بچه‌ها ثبت می‌کند و آن‌ها با اشتیاق فراوان به هیئت می‌روند. دیدن آداب و مناسک مذهبی مفاهیم ساده‌ای را در ذهن کودکان حک می‌کند و با ایجاد حس خوب در ضمیر ناخودآگاهشان، آنان را برای شناخت ائمه (ع) در آینده آماده می‌کند. در دوره پیش‌دبستانی نیز اگر به برپایی جشن‌ها و عیده‌های مذهبی توجه ویژه شود، حتی خیلی مختصر و برای مثال با پخش شکلات و شیرینی، اجرای سرودهای مذهبی و بازی‌های گروهی، این مناسبت‌ها و عیده‌ها به‌طور

در تربیت کودک، دین اسلام بزرگ‌ترین یار و مددکار والدین است و پرورش ایمان در کودکی یکی از حقوق فرزندان در اسلام است. پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «فرزندان خود را بر سه‌محور محبت من، دوست داشتن اهل بیت من، و انس با قرآن تربیت کنید. (کنز العمال، ج ۱۶، ح ۴۵۴۰۹). بدیهی است وقتی علاقه به این سه مورد ایجاد شد، به دنبال آن پیروی از دستورات دینی خواهد آمد و تربیت دینی در کودک شکل می‌گیرد.

همچنین می‌توان گفت، از ویژگی‌های عمومی این گروه سنی حس تقلید قوی، علاقه به شناخت خود، خیال‌پردازی، میل به بازی و کنجکاوی است. در هفت سال اول کودک باید آزاد باشد تا بازی کند. باید عواطف و احساسات صحیح او را رشد داد و با رفتار خوب و گفتار پسندیده او را پرورش داد. بدون توقع اطاعت، سعی کنیم با عمل و گفتار صحیح از حس تقلیدش بهره ببریم. بر این اساس، مجموعه راهکارهایی که می‌توانند در ارتقای هویت و تربیت دینی کودکان مؤثر باشند، در ادامه پیشنهاد شده‌اند.

چند راهکار

در ارائه مفاهیم دینی برای کودکان باید طوری برنامه‌ریزی کرد که با برنامه‌ها و فعالیت‌های روزمره متناقض نباشند و تقریباً در تمام برنامه‌ها به‌صورت چتر گسترده شوند. مثلاً در مراکز تربیتی آموزشی، از لحظه ورود کودک به مرکز و سلام کردن او به مربیان و دوستانش، رعایت نظافت در شستن دستان قبل از غذا، مسواک زدن و کمک به دوستان، خواندن دعا با زبان کودکان، گفتن به نام خدا و بسم‌الله الرحمن الرحیم قبل از شروع



ویژه‌تری نسبت به روزهای دیگر در ذهن بچه‌ها ثبت می‌شوند. همچنین در سوگواری‌ها، بچه‌ها باید حس کنند ما به‌خاطر از دست دادن امامان ناراحت هستیم و برای همین عزاداری می‌کنیم و لباس مشکی می‌پوشیم؛ چون آن‌ها انسان‌هایی مهربان، خوش اخلاق و دوست‌دار کودکان بودند. در این رابطه می‌توان قصه همبازی شدن پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) با کودکان را بیان کرد. در نتیجه کم‌کم حب نسبت به اهل بیت و بغض نسبت به دشمنان اهل بیت در دل بچه‌ها نهادینه می‌شود.

چه بهتر که در برپایی چنین مراسمی از خود بچه‌ها کمک بگیریم. همین کار گروهی و دادن مسئولیت به بچه‌ها، اعتماد به نفس آن‌ها را بالا می‌برد و به تربیت دینی آن‌ها کمک می‌کند. خوب است دادن هدیه به فرزندان و خرید لباس نو به چنین ایامی اختصاص پیدا کند تا کودکان برای رسیدن به این ایام شور و شوق داشته باشند.

🔴 قصه‌گویی

داستان‌ها در رشد و شکل‌گیری هویت دینی کودکان نقش مهمی دارند. مهم‌ترین نکته‌ای که هنگام قصه‌گویی درباره ائمه باید در نظر داشته باشیم، این است که

بکوشیم، داستان‌های کودکی ائمه یا داستان‌های ارتباط ائمه با کودکان را برای بچه‌ها تعریف کنیم. داستان‌های تاریخی و واقعی از نحوه وفات و شهادت ائمه که به احساسات کودکان لطمه وارد می‌کنند، مناسب کودکان نیستند.

در حین قصه‌گویی می‌توان با انجام فعالیت‌های حرکتی کودکان را با خود همراه کرد تا بیشتر مشتاق شنیدن ادامه قصه شوند. بعد از بیان قصه از کودکان بخواهیم آنچه را شنیدند تصویرسازی کنند یا نمایش آن را به اجرا در آورند. قصه‌ها باید کوتاه، همراه با تصویرسازی کودکان و کاملاً عینی باشند.

نکته مهمی که در قصه وجود دارد، این است که با قصه می‌توان کودکان را برای مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی آماده کرد. کودک از دو جنبه برای زندگی واقعی خود آماده‌تر می‌شود:

• نخست آنکه مانند بسیاری از هم‌سن و سال‌های خود، با مسائل و مشکلات ناآشنا نیست تا هنگام مواجهه با یک مسئله یا مشکل در زندگی جا بخورد.

• دیگر آنکه در طول قصه با راه‌حل‌های متفاوتی برای برخی از این مشکلات مواجه شده است که می‌تواند در زندگی خود آن‌ها را به کار بندد. بنابراین، بیان داستان‌های مناسب، تجربه زیسته بچه‌ها را بالا می‌برد و در مواجهه درست با تجربه‌های مشابه در زندگی واقعی به آن‌ها کمک زیادی می‌کند.



تصویرگر: زهره امامی

نتیجه‌گیری

یکی از فعال‌ترین حس‌ها در دوران کودکی، حس تقلید کردن است. لذا باورها و اعتقادات والدین و مربی روی کودک تأثیر می‌گذارند. از این رو والدین و مربیان دغدغه‌مند می‌توانند از هر فرصتی برای کار تربیتی استفاده کنند. باید بدانیم بچه‌ها از طریق شنیدن تربیت نمی‌شوند، باید فضایی فراهم کرد تا آن‌ها در محیطی معنوی اما متناسب با اقتضائات کودکی بزرگ شوند و از نزدیک شاهد اعمال و رفتار عبادی و آئینی والدین و مربیان خود باشند. گفتار، رفتار، نوع پوشش والدین و مربی همگی روی کودکان تأثیر مستقیم دارند. کودکان با دقتی که دارند، به‌شدت با نگاه کردن از دیگران الگوبرداری می‌کنند. لذا در دوران کودکی که مقدمه تربیت دینی و اخلاقی بچه‌هاست، باید مجموعه‌ای از عادات‌های خوب در آن‌ها نهادینه شود تا وقتی بزرگ‌تر شدند و به شناخت و قدرت اختیار رسیدند، بهتر بتوانند مسیر درست زندگی را انتخاب کنند.



بچه‌ها از طریق شنیدن تربیت نمی‌شوند، باید فضایی فراهم کرد تا آن‌ها در محیطی معنوی اما متناسب با اقتضائات کودکی بزرگ شوند و از نزدیک شاهد اعمال و رفتار عبادی و آئینی والدین و مربیان خود باشند

منابع

۱. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۴). ادب الهی، کتاب سوم (تربیت فرزند). مصابیح الهدی. تهران.
۲. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸). سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع دانشگاهیان سمنان در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸، در اداره کل امور فرهنگی ایران.
۳. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶). صحیفه امام (ج ۱۳ و ۱۴). مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره). تهران.
۴. داودی، محمد (۱۳۹۹). «تبیین مبانی دین‌شناختی تربیت دینی». فصلنامه علمی تربیت اسلامی. شماره ۱۵.
۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحارالانوار (ج ۳). داراحیال‌الثراث العربی، بیروت.
۶. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹ق). کنزالعمال (ج ۱۶). مؤسسه الرساله، بیروت.
۷. مقصودی، مجتبی و حاجی‌پور، سیمین (۱۳۹۵). «تحلیل توسعه سیاسی در ایران از منظر الگوی هویتی». فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۴.
۸. ولی‌زاده، لیلا (۱۳۹۰). شیوه‌های عملی جهت ارائه مفاهیم دینی به کودکان. سازمان بهزیستی کشور. تهران.



سلحشوری از کودکی

روی تربیت و شکوفایی ابعاد فطری خیر اخلاقی، حقیقت جویی و کنجکاوی آنان به شکلی ظریف و در قالب قصه، بحث و گفت‌وگو، نمایش و ایفای نقش، امکان‌پذیر و بلکه لازم است. تقویت روحیه دشمن‌شناسی و تنفر از ستمگر، ایثار و فداکاری نسبت به ستم‌دیده، پایداری در سختی‌ها و... از نکاتی است که در تکوین شخصیت کودکان نقش مؤثری دارند. جا دارد با نمایش صحنه‌های حضور و کمک‌رسانی کودکان، به آسیب‌دیدگان از این حوادث تلخ و رقت‌انگیز، نوآموزان را به الگوگیری از آنان ترغیب نماییم و زمینه‌ساز شکوفایی روحیه سلحشوری از کودکی برای فرزندانمان باشیم.

علاوه بر این گام‌های آموزشی و تربیتی در مورد نوآموزان، گفت‌وگوی حضوری با اولیای علاقه‌مند کودکان و تشویق آنان به اقداماتی مشابه در خانه، در جای خود مؤثر است و مکمل تلاش‌ها و برنامه‌های مربیان گرانقدر در کودکان محسوب می‌شود.

امید است به برکت امور آموزشی و تربیتی دست‌اندرکاران مراکز پیش‌دبستانی و کودکان‌ها پادشاهان مجاهدان راه حق نیز نصیب آنان شود و در روز بازپسین، پرورنده اعمال نیک آنان را نیز وزین سازد.

در بیش از ۵۰ شماره فصلنامه رشد آموزش پیش‌دبستانی غالباً به موضوع همیاری، دگروستی و خدمت به هم‌نوع پرداخته‌ایم و مربیان عزیز، به تربیت اجتماعی کودکان و نونهالان در مسیر تحقق مفهوم یادشده، سفارش شده‌اند. مشاهدات و بررسی‌های میدانی نیز بر توجه ویژه معلمان و مربیان به آموزه‌های مستقیم و غیرمستقیم متربیان در این راستا گواهی می‌دهند.

آنچه که ما را برانگیخت تا بار دیگر بر این مهم تأکید کنیم و حداقل نیمی از ساحت‌های تربیتی شش‌گانه (دینی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و...) را یادآور شویم، حوادث تلخ سرزمین فلسطین، به‌ویژه در ماه‌های گذشته است. جنایات و ستمگری‌های بی‌حد و حصر رژیم اشغالگر قدس نسبت به ملت مظلوم آن خطه و کشتن جمع بسیاری از زنان و کودکان بی‌گناه فلسطینی، آن‌قدر دلخراش و نگران‌کننده است که فریاد همه انسان‌های آزادی‌خواه جهان و حتی کودکان مطلع از این حوادث را برآورده است.

روح لطیف و شکننده کودکان ستم‌دیده و واکنش رقت‌انگیز آنان را نمی‌توان به سادگی در معرض دید و قضاوت نوآموزان پیش‌دبستانی قرار داد، لیکن به هر حال نمی‌توان همه این وقایع را از آنان پنهان داشت. از این



زیر سقف بازارچه

رویدادهای سنتی، فرصتی برای آشنایی با تاریخ و فرهنگ

اشاره

آموزش تاریخ و فرهنگ در سنین کودکی، پشتوانه‌ای فکری برای خلاقانه‌اندیشیدن، ایجاد انگیزه، حس مسئولیت و تعلق خاطر به محیط اطراف خود، ایجاد می‌کند. هدفی که آموزش تاریخ در ایجاد تفکر انتقادی و سواد خواندن و نوشتن به کودکان دنبال می‌کند، ایجاد شکاف برای تصمیم‌گیری‌های قبل و بعد در مرحله‌های زندگی اوست. درست همان‌که در خیلی از برنامه‌های درسی کودکانها مغفول مانده است و کودکان با تاریخ، بدون هدف و طرح‌واره‌های خاص آشنا می‌شوند. در حالی که همه ما می‌دانیم، تاریخ و تمدن ایران نیازمند آموزش صحیح در سال‌های اولیه زندگی کودک است و این‌گونه، همیم محافظت از میراث تاریخی خود، می‌توانیم دین خود را نسبت به گذشتگان ادا کنیم.

کلیدواژه‌ها: بازارچه سنتی، تاریخ، فرهنگ، مهارت‌های اجتماعی، خلاقیت، اقتصاد، قصه و داستان

و خرید و فروش، و همچنین شغل‌های حوزه تداوم فرهنگ و هنر آشنا می‌شوند، تاریخ و تمدن کشور را نیز می‌شناسند. به این ترتیب، هوش مالی و کارآفرینی، همگام با اصالت و تاریخ کشور، دست‌به‌دست هم می‌دهند تا کودک محیط مناسبی را برای تجربه‌های آینده خود داشته باشد. علاوه بر آن، هر فعالیتی که با سنت‌ها و فرهنگ ایرانی اسلامی عجین شود، روحیه مشارکت و کارگروهی را القا می‌کند که نیاز اساسی زندگی در جامعه تحولی و در حال پیشرفت کشور عزیزمان است.

ایده‌هایی درباره بازار سنتی در پیش دبستانی

– ساخت غرفه‌های محلی

کودکان می‌توانند با توجه به محصولات که هر شهری مختص به خود دارد، غرفه‌هایی را با استفاده از جعبه‌های مقوایی، پارچه و سایر مواد بازیافتی بسازند؛ برای مثال غرفه‌های میوه‌فروشی، نانوايي، شیرینی‌پزی، صنایع دستی و

به کمک مربیان، یک راهنما برای هر غرفه تعیین می‌شود تا به کودکان

برپایی بازارچه‌های سنتی کودکان روشی ارزشمند برای آموزش تاریخ و فرهنگ به کودکان است. این بازارچه‌ها نه تنها بر دانش تاریخی کودکان می‌افزایند، بلکه به رشد همه‌جانبه شخصیت آن‌ها نیز کمک می‌کنند. با برگزاری این گونه برنامه‌ها، کودکان ریشه‌های فرهنگی خود را می‌شناسند و با اعتمادبه‌نفس به آینده نگاه می‌کنند. بازارچه سنتی کودکان، فراتر از یک بازی ساده، محیطی تعاملی است که کودکان را به دنیای گذشته و فرهنگ خود پیوند می‌دهد. بازارچه‌ها با شبیه‌سازی محیط‌های سنتی، فرصتی فراهم می‌کنند تا کودکان با شغل‌ها، کالاها، و آداب و رسوم گذشتگان آشنا شوند. با ایجاد مهارت‌های اقتصادی و اجتماعی نیز به کودکان کمک می‌کنند با آمادگی بیشتری با جامعه خود تعامل کنند.

طراحی بازارچه سنتی برای کودکان

بازار سنتی می‌تواند یک محیط آموزشی جذاب و پر از تجربه‌های یادگیری برای کودکان پیش دبستانی باشد. با ایجاد یک بازار کوچک در سالن‌های مهدکودک‌ها، کودکان علاوه بر آنکه با مفهومی مثل پول،

- نقش آفرینی

کودکان می‌توانند خودشان به‌عنوان فروشنده یا حتی تولیدکننده، با توجه به ظرفیت‌های مهدکودک، نقش‌ها را به عهده گیرند. فقط باید توجه داشت، این بازارچه معمولی نیست، بلکه بازارچه‌ای است که فروشندگان آن نقش شخصیت‌های تاریخی را بازی می‌کنند و داستان‌ها و روایت‌ها را به زبان کودکان برای مخاطبان‌شان شرح می‌دهند.

اطلاعات کامل داده شود. هر شهرری تاریخچه و افسانه‌های خاصی برای محصولات مخصوص خود دارد و فروشنده هر غرفه می‌تواند با پوشیدن لباس‌های سنتی یا حتی در قالب ایفای نقش هر یک از شخصیت‌های تاریخی یا شاهنامه، به‌عنوان راهنما نقش بازی کند. مثلاً می‌تواند **کاوه آهنگر** شود و تاریخچه ابزار آلات آهنی و تزیینی را در حین فروش توضیح دهد.

- تولید محصولات

در بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای آسیای شرقی، در بازارهای خود غرفه‌هایی مانند سفالگری و سازه‌های چوبی برای تولید محصول دارند. این غرفه‌ها را می‌توان با حمایت مربیان متخصص برای کودکان تدارک دید. علاوه بر آنکه کودک با آموزش مربی محصولی را تولید می‌کند، باید برای مواد اولیه مبلغی نیز بپردازد. این آموزش‌ها به‌راحتی می‌توانند با هنرهای سنتی و باستانی و طرح‌های اسلیمی برای نقش و نگار عجین شوند.

- معرفی محصولات متنوع

این غرفه‌ها می‌توانند منحصراً محصولات یک منطقه را با توجه به ویژگی‌های بومی و محلی آن معرفی کنند. یا علاوه بر آن، محصولاتی را که متعلق به شهرهای دیگر هستند نیز در کنار آن بفروشند. زیرا ممکن است در یک کودکستان خانواده‌ها از اقلیم‌های متفاوت کشور باشند. در این صورت تنوع محصولات باعث غنی شدن و یکپارچه شدن اطلاعات در این بازارچه خواهد بود.



– بهره‌مندی از فرصت‌های فرهنگی در تربیت کودک

بازارچه‌ها را با توجه به فرهنگ اصیل و جشن‌های پرقدمت باستانی ایرانی، می‌توان در پایان هر فصل برگزار کرد. زیرا جشن‌های پایان هر فصل نیز به بازارچه رنگ و بوی شادی می‌بخشند. در این صورت در برگزاری غرفه‌ها به هر دو فضای نشاط و آموزش توجه داشته‌ایم. بازارهای یلدایی، نوروزی، صنایع دستی و... می‌توانند در رده رویدادهای اقتصادی با محوریت آموزش به کودک قرار گیرند.

بازارچه فرصتی است مناسب برای دانستن تاریخچه پول و مبادله کالا به کالایی که در زمان گذشته انجام می‌شده است. کودک به مرور با سایر مفهوم‌های اقتصادی، از جمله تخفیف، سود و زیان نیز آشنا می‌شود.

– استفاده از کارت‌های امتیاز

با توجه به سن کودک، مربیان می‌توانند از کارت‌های امتیاز شبیه پول استفاده کنند تا در حین بازی حس خرید و فروش نیز به کودکان القا شود.

سه نکته مهم و پایانی

۱. ارائه کارت‌های امتیاز برمی‌گردد به تشویقی‌هایی که کودک در طول سال با توجه به فعالیت در مهدکودک دریافت کرده و حالا زمان آن است که امتیازهای خود را در بازارچه به صورت هدفمند خرج کند.



بازارچه فرصتی است مناسب برای دانستن تاریخچه پول و مبادله کالا به کالایی که در زمان گذشته انجام می‌شده است. کودک به مرور با سایر مفهوم‌های اقتصادی، از جمله تخفیف، سود و زیان نیز آشنا می‌شود.

۲. در ارائه کارت‌های امتیاز دست و دلباز باشیم و با تأکید بر نقاط قوت کودکان، همه آن‌ها را به بهانه‌ها و قرارهای متنوع تشویق کنیم. البته مراقب افراط و تفریط‌ها نیز باشیم تا کودکان به اصطلاح شرطی نشوند.

۳. معمولاً کودکان در ابتدای سال به مناسبت‌های دیگری بازارچه‌ها را برگزار می‌کنند و خرید و فروش از طریق مبلغی که پدر یا مادر به صورت مستقیم به فرزندانشان می‌دهند، انجام می‌پذیرد. بزرگ‌ترین مشکل از همین‌جا شروع می‌شود. یعنی این تصور ایجاد می‌شود که کودک برای هر نیاز خود باید مبلغی را از والدینش دریافت کند که در این صورت این بازارچه‌ها فقط برای بزرگسالان هستند نه کودکان. پس اشتباه نکنیم!

منابع

۱. قاسم‌زاده، افتخار و سلیمانی، میثم (۱۴۰۱). چگونگی آموزش تاریخ به کودکان با تأکید بر نقش تربیتی آن. نشریه پژوهش در آموزش تاریخ. شماره ۳.
۲. اوهارا، لوسی و اوهارا، مارک (۱۳۹۸). آموزش تاریخ به کودکان ۳ تا ۱۱ سال. ترجمه لیلا عزیزیان و نرگس عزیزیان. نشر والتین. تهران.
3. Niknezhad, Bitā; Saeidi, Parviz; Akhavanfar, Amir (2023). Provide a pattern for teaching the development of the children's market in Iran. Journal of New Approaches in Educational Administration; 13(6): 38-50.





جورچین رشد و یادگیری

باورهای زیربنایی و عوامل موثر بر یادگیری کودک

اشاره

در این مقاله، مراجعه کودک به کتاب، رفتاری برای یادگیری فرض شده است. در بخش اول، مقوله یادگیری و باورهای زیربنایی آن بررسی شده‌اند. در بخش دوم، علل گرایش کودکان به کتاب تبیین شده و همچنین محتوای مطلوب برای کتاب کودکان دوره پیش دبستانی، از حیث متن و تصویر، شرح داده شده است. سرانجام در بخش سوم و آخر مقاله، محتوای مناسب برای کودکان پیش دبستانی معرفی شده است. علاوه بر این، ویژگی‌های مخاطب، یعنی کودکان چهار تا شش ساله، از ابعاد گوناگون بررسی و به دو رویکرد ارائه مطالب به شکل مستقیم و غیرمستقیم در تألیف کتاب و تأثیر آن بر کودکان پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: خصوصیات مخاطب، کتاب پیش دبستانی، دوره پیش دبستانی، رسانه آموزشی، یادگیری، کودک

خود جست‌وجو می‌کند. اگر محتوای کتاب جذابیت داشته باشد، کودک پرسشگر و کنجکاو را برای یادگیری به سمت خود جذب می‌کند.

❖ یادگیری، فرایند «ساخت معنا» در یادگیرنده

یادگیری انتقال دانش از یاددهنده به یادگیرنده نیست. مغز با هر مفهومی که مواجه می‌شود، مفهومی را جست‌وجو می‌کند تا این مفهوم جدید را با آن‌ها پیوند بزند. مفهومی پیشین شامل تجربه‌ها و یادگیری‌های قبلی هستند که وقتی با یک مفهوم جدید پیوند می‌خورند، تجربه جدیدی را برای یادگیرنده ایجاد می‌کنند که نه از جنس همان مفهوم است، نه از جنس مفهومی قبلی، بلکه تجربه‌ای جدید است. این مفهومی در یک نقشه ذهنی ستون‌هایی می‌شوند که به کودک کمک می‌کنند روی آن‌ها سقفی بزند و دانش خود را روی آن بسازد و همه آن مفهومی را به شکلی معنادار با هم مرتبط کند.

همان‌طور که ما برای رفع نیازهای اساسی خود نیازمند هیچ فشاری از بیرون نیستیم، برای یادگیری هم نیازمند اعمال فشارهای بیرونی نیستیم. دخالت‌های بیرونی می‌توانند این تمایل را تضعیف کنند؛ تا آنجا که کودک حتی برای رفع نیازهای اساسی خود نیز نیازمند فشار بیرونی باشد.

❖ کودک، یادگیرنده مادام‌العمر^۱

اگر بپذیریم هر موجود زنده‌ای و اشرف آن‌ها انسان، به رشد و کمال تمایل دارد، طبیعی است درصدد رفع نیازهای رشدی خود برآید. اگر یادگیری را رفع یکی از نیازهای رشدی بدانیم، انسان ذاتاً به یادگیری تمایل دارد. همان‌طور که ما برای رفع نیازهای اساسی خود نیازمند هیچ فشاری از بیرون نیستیم، برای یادگیری هم نیازمند اعمال فشارهای بیرونی نیستیم. دخالت‌های بیرونی می‌توانند این تمایل را تضعیف کنند؛ تا آنجا که کودک حتی برای رفع نیازهای اساسی خود نیز نیازمند فشار بیرونی باشد.

کودک از محتوایی لذت می‌برد که برای او یادگیری داشته باشد. وقتی یادگیری به یک یا چند نیاز رشدی او پاسخ دهد، پرسش اهمیت پیدا می‌کند و کودک کنجکاو برای فهم همه چیز می‌پرسد و برای پاسخ به آن پرسش‌ها، به اقدام و عمل دست می‌زند. می‌پرسد و برای پاسخ به پرسش

از این حیث کودک خودش دانش خودش را می‌سازد. آنچه در متن کتاب می‌آید، یا آنچه تصویرگر ارائه کرده است، همان چیزی نخواهد بود که در ذهن کودک شکل می‌گیرد. دو کودک دو فهم متفاوت از یک محتوا خواهند داشت. این تفاوت ممکن است در لایه سطحی دیده نشود. اگر از هر دو کودک پرسیده شود چه چیزی در این کتاب بود، ممکن است هر دو یک پاسخ بدهند. این تفاوت در لایه پیچیده‌تر تفکر دیده می‌شود؛ آنجا که کودک باید مطالب را تفسیر کند و بفهمد.

را برای خود می‌سازد، مفهوم‌های بعدی با آن پیوند ایجاد می‌کنند که آن‌ها نیز منحصر به فرد هستند. از این حیث، هیچ دو یادگیرنده‌ای مثل هم یاد نمی‌گیرند و هیچ دانشی در دو یادگیرنده یکسان نیست. از دو کودکی که با کتاب‌های زیادی مواجه بوده‌اند، پرسید: «این کتاب یک جورهایی شبیه به کدام کتابی بود که قبلاً خوانده بودی؟» بچه‌ها احتمالاً پاسخ‌های متفاوتی خواهند داد. اگر بگویید: «این متن یا این تصویر تو را یاد چه خاطره‌ای می‌اندازد؟» حتماً پاسخ‌ها با هم تفاوت خواهند داشت.

◀ منحصر به فرد بودن یادگیرنده

وقتی دانش و مفهوم‌های جدید در پیوند به تجربه‌ها و دانش قبلی کودک ساخته می‌شوند، این مفهوم جدید با آنچه بین تک‌تک یادگیرندگان شکل گرفته است تفاوت دارد و منحصر به فرد است. وقتی کودک مفهوم جدیدی

◀ عوامل مؤثر بر یادگیری کودک

دانش و تجربه‌های پیشین و جدید: شباهت یادگیرنده و آشپز، اگرچه شباهت کاملی نیست، اما تا حدی روشن‌کننده مطلب است. آشپز در مواجهه با ماده خام برنج، از طریق پیوند بین برنج و مواد متنوع دیگر، می‌تواند صدها و



هزاران غذای متنوع و با طعم‌های متفاوت بسازد. مفهومی‌های جدید ساخته شده نیز با مفهومی‌هایی که بعد از خود می‌آیند، قابلیت پیوند دارند. پیوندهای جدید هم مفهومی‌های جدیدی می‌سازند که حتی ممکن است موجب شوند کودک به بازیابی و اصلاح پیوندهای قبلی بین مفهومی‌ها بپردازد. کودک بعد از مواجهه با متن یک کتاب و تصویرهای آن، به تجربه‌های جدیدی دست می‌یابد که به تجربه‌های قبلی او افزوده می‌شود.

تخیل: کودک به‌خوبی قادر است به کمک تخیل ذهنی، مفهومی‌ها را به هم پیوند بزند. وقتی کودک با واژه «سرخ» مواجه می‌شود به یاد آتش، درخت سیب خانه مادر بزرگ، پیراهن یکی از تیم‌های فوتبال، شب یلدا و هزاران مفهومی دیگر می‌افتد و درکی حسی پیدا می‌کند که مبتنی بر برداشتی است که از هر یک از آن مفهومی‌ها دارد. هر قدر که کودک در قوه تخیل توانمندتر باشد، ذهن او در فهم رابطه‌های پیچیده یک مفهومی، مثل رابطه چرخش چرخ‌دنده‌ها با هم، توانمندتر می‌شود. تخیل کودک می‌تواند شکل‌های ناقص را کامل و یک قصه ناقص را تکمیل کند و قادر است چند کلمه بی‌ارتباط با هم را به هم ربط دهد.^۳



روابط اجتماعی: ترکیب ساختارهای ذهنی مجزا

در افراد متفاوت می‌تواند ساختار معنایی جدیدی را به‌وجود آورد. دیدن تنهایی یک فیلم کمدی با دیدن همان فیلم در یک اجتماع فامیلی اثرات متفاوتی دارد. برایند تجربه‌های یک فرد با تجربه‌های نفر دیگر، می‌تواند فهم یا تجربه جدیدی را تولید کند. کودکان دوست دارند کتاب را با مربی و در کنار سایر دوستانشان بخوانند. این اجتماع باعث تولید حس و مفهومی جدید می‌شود که نه متعلق به کودک است و نه متعلق به مربی و نه متعلق به سایر کودکان. این تجربه جدید متأثر از همه حاضران در آن اجتماع است.

فرهنگ: تولید برخی محتواهای آموزشی مبتنی بر فطرت انسانی و برخی مبتنی بر فرهنگ و باورهای فرهنگی است. زمینه‌های متنوع فرهنگی بر احساسات، افکار و رفتار ما تأثیر می‌گذارند. برخی از ما از فرهنگ تأثیر بیشتری می‌گیریم و برخی کمتر. اما به هر حال این زمینه‌ها تأثیرات خود را می‌گذارند. از این نظر، آدم‌هایی که در یک فرهنگ حضور دارند، شباهت‌هایی در ادراکاتشان خواهند داشت. وقتی محتوا در یک فرهنگ دیگر تولید می‌شود، اگرچه احتمال دارد که یادگیرنده با برخی ابعاد تولیدشده ارتباط نگیرد، اما این امر می‌تواند یادگیرنده را با پنجره جدیدی مواجه کند که تجربه‌های متفاوتی را در اختیارش قرار می‌دهد.

کودک به مثابه یک کل یکپارچه: انسان شامل ذهن، بدن و روان است. اگر محتوا فقط یکی از این ابعاد را هدف بگیرد، تأثیر محدودی بر رشد کودک دارد. هر قدر محتوا آموزشی ابعاد بیشتری از وجود کودک را هدف قرار دهد، تأثیرگذاری آن بیشتر خواهد بود. کتاب‌های کار می‌توانند با در نظر گرفتن فعالیت‌هایی که برای کودک سؤال‌های عمیق‌تری ایجاد می‌کنند، تفکر پیچیده‌تر و سطح بالاتری از وجود کودک را درگیر کنند. همچنین می‌توانند عواطف او را هدف بگیرند و احساسات او را برانگیزند. بخشی از فعالیت‌های کتاب کار می‌تواند بیرون از کتاب و در محیط اطراف کودک انجام شود. مثلاً کودک باید حرکتی را اجرا کند و بعد کاری را هم داخل کتاب انجام دهد. به این ترتیب فعالیت، همه ابعاد یادگیرنده را درگیر می‌کند.

یادگیری پیچیده و غیر خطی: در طبقه‌بندی بلوم^۵، یادگیری سطح‌های متفاوتی دارد که بر اساس میزان درگیری و تلاش کودک، او به سطح‌های عمیق‌تر و بالاتری از یادگیری دست پیدا می‌کند. ممکن است فقط بداند که ماهی‌ها در دریا زندگی می‌کنند. این لایه بیشتر در سطح به خاطر آوردن مطالب^۶، حافظه و اطلاعات عمومی کار می‌کند. اما ممکن است در سطح بالاتر کودک به خطر آلودگی دریاها و تأثیر آن بر زیست ماهی‌ها اشاره کند. در سطح بالاتر راهی را ارائه می‌دهد تا بتوان از آن طریق

به زیست ماهی‌ها کمک کرد. در سطح‌های دوم و سوم که ذکر شد، کودک از سطح اطلاعات بالاتر می‌آید^۷ و به سطح کاربرد^۸ و بلکه تولید^۹ می‌رسد.

نکته آخر

مسیر یادگیری مسیری نیست که یاددهنده برای یادگیرنده تعیین می‌کند. یادگیری واقعی که بر اساس نیاز یادگیرنده اتفاق می‌افتد، مسیری رفت و برگشتی و غیرخطی بین مفهوم‌های یک منبع یا منابع متفاوت است که کودک بر اساس نیاز خود به فهم هر یک، آن مسیر را تعیین می‌کند و با انگیزه کامل در جست‌وجو و دریافت آن‌ها تلاش می‌کند.

محتوای یک کتاب نمی‌تواند همه یادگیری کودک را شکل بدهد. مفهوم‌های متفاوتی در منابع متنوع وجود دارند و کودک با میزان تأثیری که از آن‌ها می‌گیرد و سپس انتخاب می‌کند، بهره‌مند خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Lifelong learner
2. Constructing meaning

۳. قبلاً گفته شد برای عبور از یک مرحله به مرحله دیگر یادگیری در یک موضوع، به جای تأکید بر دانسته‌های قبلی و دانش پیشین کودک، باید او را به تصور و تخیل نسبت به آن ترغیب کرد. این نظریه می‌تواند در نگاه قبلی آموزش که دانش پیشین کودک را تکیه‌گاه یادگیری بعدی او معرفی می‌کند، تردید به وجود آورد (مهرمحمدی، ۱۳۹۳).

4. non-linear
5. Bloom's Taxonomy
6. remember or recall information

۷. از نظر این نوشتار، اطلاعات به‌خودی‌خود ارزش نیست. اطلاعات، چه زیاد چه کم، زمانی ارزشمند خواهد بود که به کار بیاید. یعنی حجم کمی از اطلاعات که به سطح کاربرد برسد و در زندگی مورد استفاده قرار بگیرد، از حجم زیاد مطالب انباشته‌شده در حافظه بسیار ارزشمندتر خواهد بود.

8. Apply
9. create

منابع

۱. برومند، بهادر؛ پندی، زهره؛ جلیلی، زهرا؛ خدابخش، زینب؛ سعیدنیا، یدالله؛ سلطانی، کیومرث؛ عبدالمحمدی، حمیدرضا (۱۳۹۹). الگوی آموزشی مدرسه زندگی؛ زیرنظام برنامه آموزشی درسی دبستان. نشر ایده آفرین. تهران.
۲. مهرمحمدی، محمود و کیان، مرجان (۱۳۹۴). رویکردهای تربیت هنری، کتاب برنامه درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش. نشر سمت. تهران. چاپ دوم.
3. Hailikari, T., Katajavaruri, N., & Lindblom-Ylänne, S. (2008). The relevance of prior knowledge in learning and instructional design. American journal of pharmaceutical education, 72(5).
4. Larsen, S. (1986). Information can be transmitted but knowledge must be induced. PLET: Programmed Learning & Educational Technology, 23(4), 331.

کودکان لطیف ولی مقاوم

بازداری پاسخ، کمک به انعطاف پذیری کودکان



اشاره

کارکردهای اجرایی مغز دسته‌ای از مهارت‌های شناختی هستند که توانایی‌های مهمی را دربر می‌گیرند؛ از جمله: توجه، حافظه کاری، خودآغازگری، برنامه‌ریزی راهبردی، بازداری پاسخ (کنترل مهاری) انعطاف‌پذیری شناختی و کنترل تکانه. این کارکردها وظیفه قضاوت، تصمیم‌گیری، کنترل امیال، سنجش خطر و سایر کارکردهای مغز را بر عهده دارند. در این مقاله یکی از کارکردهای اجرایی مغز یعنی بازداری پاسخ، که نیاز است در کودکی به آن توجه شود، معرفی و توصیه‌هایی برای تقویت آن ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کارکردهای اجرایی مغز، بازداری پاسخ، انعطاف‌پذیری، تصمیم‌گیری

کارکردهای اجرایی مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌های شناختی هستند که از بدو تولد در کودک وجود دارند و با رشد وی این مهارت‌ها نیز رشد می‌کنند و تا حدود سن ۱۲ سالگی طوری ادامه می‌یابند که کودک ۱۲ ساله عملکردی مشابه بزرگسال ارائه می‌دهد. کارکردهای اجرایی از طریق تأثیر بر سایر فرایندهای شناختی این امکان را فراهم می‌کنند که فرد افکار و اعمال خود را برای اقدامی هدفمند تنظیم کند. این عملکرد فرد را قادر می‌سازد مفهومی انتزاعی و پیچیده را بفهمد، به حل مشکلاتی که هرگز با آن‌ها مواجه نشده است بپردازد و روابط خود را مدیریت و برای زندگی خود برنامه‌ریزی کند. به عبارت دیگر، کارکردهای اجرایی عبارتی کلی است که به تمامی فرایندهای شناختی که در هدایت و کنترل رفتار فرد نقش کلیدی ایفا می‌کنند، اطلاق می‌شود.

نورمن و شالیس (۱۹۹۲) پنج نوع موقعیت را تشریح کردند که در آن‌ها کارکردهای اجرایی شروع به فعالیت می‌کنند:

۱. موقعیت‌هایی که به برنامه‌ریزی یا تصمیم‌گیری نیاز دارند؛

۲. موقعیت‌هایی که مستلزم تصحیح خطا یا مشکلی در مسائل روزمره زندگی هستند؛

۳. موقعیت‌هایی که در آن‌ها پاسخ‌ها به خوبی تمرین نشده‌اند یا حاوی توالی‌های جدیدی از اقدامات هستند؛

۴. موقعیت‌هایی که از نظر فنی دشوارند؛

۵. موقعیت‌هایی که به غلبه بر پاسخ عادت شدید یا مقاومت در برابر وسوسه نیاز دارند.

**کارکردهای اجرایی
مجموعه‌ای از توانایی‌ها و
مهارت‌های شناختی هستند که
از بدو تولد در کودک وجود
دارند و با رشد وی رشد
می‌کنند.**

شناختی را بیش از پیش متذکر شده‌اند. از آنجا که رشد این مهارت‌ها تحت تأثیر محیط است، می‌توان از طریق غنی کردن محیط و فعالیت‌های مرتبط با این سنن، گامی در مسیر موفقیت‌های بیشتر کودکان برداشت.

نقص‌های کارکردهای اجرایی در کودکان ممکن است به صورت ضعف در حیطه‌هایی نظیر حل مسئله، یادگیری، حافظه، پردازش اطلاعات و استدلال، ارتباط برقرار کردن با دیگران و تعاملات اجتماعی، درک خواندن و نوشتن، انجام تکلیف در مدرسه، انجام بازی‌های گروهی، انجام یک پروژه یا کاردستی و... خود را نشان دهد.

اهمیت کارکردهای اجرایی

کارکردهای اجرایی تقریباً در همه جنبه‌های زندگی نقشی پراهمیت دارند که برخی از آن‌ها را در نمایه زیر مشاهده می‌کنید.

بازداری پاسخ

بازداری پاسخ (کنترل مهاری) یکی از عناصر مهم در کارکردهای اجرایی



مغز است که سبب رفتارهای انطباقی در محیط پویا و غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. فرایندی عصب‌شناختی است که به کودکان کمک می‌کند پاسخ سنجیده بدهند. بازداری پاسخ که از مهم‌ترین مؤلفه‌های کارکردهای اجرایی است، به توانایی متوقف کردن افکار، اعمال و احساسات اطلاق می‌شود.

درخصوص توجه به کارکردهای اجرایی در طول دوران کودکی و پیامدهای آن، به منظور آماده‌شدن کودکان برای مدرسه، سازگاری با مدرسه و موفقیت‌های آتی‌شان در تحصیل، پژوهش‌ها و بررسی‌های بسیاری صورت گرفته‌اند. پژوهش‌های مزبور اهمیت این مؤلفه تأثیرگذار

همچنین به توانایی سرکوب و خاموش کردن آگاهانه پاسخ‌های خودکار و غالب، به‌منظور ارائه پاسخ‌های مناسب‌تر و هدفمند، اشاره دارد.

طبق نظر **دیاموند**، توانایی مقاومت در برابر پاسخ غالب، یا به عبارت دیگر بازداری پاسخ، به ما توان انعطاف‌پذیری فوق‌العاده، آزادی انتخاب و کنترل اعمال می‌بخشد. این مهارت انسان را قادر می‌سازد روی آنچه می‌خواهد انتخاب کند متمرکز شود و دیگر محرک‌ها را سرکوب کند، یا از این طریق به صورت داوطلبانه محرک معینی را نادیده بگیرد و به محرک‌های دیگر مرتبط با هدف خود معطوف شود.

رشد بازداری پاسخ در
خلال سال‌های پیش از دبستان
و ابتدای آن، به‌ویژه بین چهار
تا هشت سالگی، قابل توجه و
برجسته است.

برای مثال، کودکی که بازداری پاسخ دارد، در بازی‌ها نوبت را رعایت می‌کند، برای بیان خواسته خود اجازه می‌گیرد، از دیدن برنامه دلخواهش می‌گذرد تا کاردستی‌اش را به پایان برساند، و بسیاری موارد دیگر. رشد بازداری پاسخ در خلال سال‌های پیش از دبستان و ابتدای آن، به‌ویژه بین چهار تا هشت سالگی، قابل توجه و برجسته است و در کودکان کمتر از چهارساله نباید انتظار داشته باشیم بازداری پاسخ داشته باشند. البته رشد اندکی هم در خلال نوجوانی و بزرگسالی ظاهر می‌شود.

اهمیت بازداری پاسخ

بازداری پاسخ به طور ذاتی با چهار کارکرد اجرایی دیگر، شامل حافظه فعال، درونی‌سازی گفتار، خودگردانی هیجان-انگیزش-برانگیختگی، و بازسازی ارتباط دارد. نقص در بازداری پاسخ موجب عملکرد نادرست در انجام تکلیف‌ها و افزایش احتمالی پاسخ‌های نادرست می‌شود. بازداری پاسخ ممکن است پیش‌نیازی برای سطوح بالاتر کارکردهای اجرایی، مثل خودتنظیمی، خودکنترلی و رفتار هدفمند باشد.

بازداری پاسخ در سال‌های اولیه زندگی پیش‌بینی‌کننده دستاوردهای آتی زندگی خواهد بود.

مافیت و همکارانش (۲۰۱۱) در پژوهشی طولی روی ۱۰۰۰ کودک که به مدت ۳۳ سال آن‌ها را تحت نظر داشتند، دریافتند، کودکانی که در سنین ۳ تا ۱۱ سال بازداری بهتری داشتند، در نوجوانی کمتر به کارهای پرخطر رو آورده بودند و تمایل بیشتری به شرکت در فعالیت‌های تحصیلی داشتند. آن‌ها به طور کلی در بزرگسالی سلامت روانی و فیزیکی بهتری را تجربه می‌کردند.

پیشنهادهایی برای تقویت بازداری پاسخ

برای تقویت بازداری پاسخ در کودکان پیش‌دبستانی می‌توانید از این روش‌ها استفاده کنید:

۱. **بازی‌های توقف و شروع:** بازی‌هایی مثل «استپ» (وقتی صدای ضرب‌آهنگ متوقف می‌شود، کودک باید بایستد) به کودکان کمک می‌کند به‌موقع واکنش نشان دهند.
 ۲. **فن‌های (تکنیک‌های) تنفس:** آموزش تنفس عمیق و آرام به کودکان می‌تواند در کنترل احساسات و پاسخ‌ها به آن‌ها کمک کند.
 ۳. **قصه‌گویی و مثال‌های عملی:** از داستان‌ها و مثال‌های ساده استفاده کنید که در آن‌ها شخصیت‌ها با چالش‌های خویشتن‌داری مواجه می‌شوند.
 ۴. **تقویت مهارت‌های حل مسئله:** از کودک بخواهید راه‌حل‌های متفاوتی برای یک مشکل ساده بیابد تا به تفکر قبل از عمل عادت کند.
 ۵. **تشویق به فکر کردن قبل از عمل:** از کودکان بخواهید قبل از پاسخ‌دادن به سؤال‌ها یا درخواست‌ها چند ثانیه صبر و فکر کنند.
 ۶. **الگوسازی رفتار:** خودتان نمونه‌های خوبی از بازداری پاسخ و کنترل احساسات نشان دهید تا کودکان از شما یاد بگیرند.
 ۷. **تقویت مهارت‌های اجتماعی:** فعالیت‌های گروهی و بازی‌های دسته‌جمعی به کودکان کمک می‌کنند در تعامل با دیگران یاد بگیرند چطور پاسخ‌های خود را کنترل کنند.
 ۸. **برنامه‌ریزی فعالیت‌ها:** فعالیت‌های ساختاریافته و زمان‌بندی‌شده به کودکان کمک می‌کنند یاد بگیرند چگونه تا فرارسیدن نوبتشان منتظر بمانند.
- این روش‌ها به‌تدریج به کودکان کمک می‌کنند مهارت‌های بازداری پاسخ را بهتر درک و تقویت کنند.

جمع‌بندی

اصطلاح «کارکردهای اجرایی» به مجموعه‌ای از فرایندهای شناختی اشاره دارد که از طریق تنظیم انواع آن، امکان رفتار هدفمند را فراهم می‌آورند. از آنجا که کارکردهای اجرایی در رفتار نفوذ می‌کنند، بر فعالیت‌های روزمره و همچنین رشد اجتماعی و شخصی، از جمله موفقیت در دوره‌های بالاتر یا در شغل تأثیر می‌گذارند. همچنین کمبود و نقص در این حوزه فرد را دچار مشکلات و اختلالاتی می‌کند؛ از جمله اختلال کمبود

بازداری پاسخ که از مهم‌ترین مؤلفه‌های کارکردهای اجرایی است، به توانایی متوقف کردن افکار، اعمال و احساسات اطلاق می‌شود. همچنین به توانایی سرکوب و خاموش کردن آگاهانه پاسخ‌های خودکار و غالب، به‌منظور ارائه پاسخ‌های مناسب‌تر و هدفمند، اشاره دارد.

توجه، بیش‌فعالی و افسردگی. از این رو نیاز است از سنین کودکی، با فراهم کردن فعالیت‌ها و محیط مناسب، این کارکردها را تقویت کنیم. در این مقاله بازداری پاسخ به‌عنوان یکی از عناصر مهم کارکردهای اجرایی مورد توجه قرار گرفت و پیشنهادهایی برای تقویت آن به والدین و مربیان ارائه شد.

منابع

۱. حیدری، سارا و خادمی، ملوک (۱۴۰۲). «مروری بر مفهوم کارکرد اجرایی: با تمرکز بر دوران پیش‌دبستانی». مجله اندیشه‌های نوین تربیتی. دوره نوزدهم. شماره ۲.
۲. قائمی، فرشته؛ رستمی، رضا؛ میرکمالی، سیدمحمد؛ صالحی، کیوان (۱۴۰۰). «مروری نظام‌مند و تحلیلی بر نظریه‌ها، مؤلفه‌ها و مدل‌های کارکردهای اجرایی مغز». نشریه رویش روان‌شناسی. سال دهم. شماره ۶.
۳. مهتدی، سارا (۱۴۰۳). دوره پر ماجرا. انتشارات مرآت. تهران. چاپ اول.
۴. نوده‌ئی، خدیجه؛ صرامی، غلامرضا؛ کرامتی، هادی (۱۳۹۵). «رابطه کارکردهای اجرایی و ظرفیت حافظه کاری با عملکرد خواندن دانش آموزان: نقش سن، جنس و هوش». مجله روان‌شناسی شناختی. دوره چهارم. شماره ۳.
5. Diamond, A. (2013). Executive functions. Annual Review of Psychology, 64, 135–168.
6. Moffitt, TE, Arseneault, L, Belsky, D, Dickson, N, Hancox, RJ, et al. (2011). A gradient of childhood self-control predicts health, wealth, and public safety. Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America. 108:26, 93–98.
7. <https://doi.org/10.1073/pnas.1010076108>.
8. McCalla, A. (2013). Executive functioning—where is it controlled and how does it develop? / remediation techniques for deficits and dysfunction. RainbowVisions, Summer 2013, X No, 2.



بنای دین با آجرهای محبت

نقش محبت و همدلی در آموزش مفاهیم دینی در اوان کودکی

اشاره

«محبت» و «همدلی» از ارزش‌های اساسی در آموزه‌های دینی هستند و نقشی حیاتی در تربیت و یادگیری در اوان کودکی ایفا می‌کنند. این دو نه تنها به بهبود روابط اجتماعی و عاطفی کودکان کمک می‌کنند، بلکه به عنوان ستون‌های اساسی پرورش انسان‌هایی با ارزش‌های اخلاقی قوی مطرح می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: محبت، همدلی، اعتماد به نفس، آموزه‌های دینی، راهکارهای تقویت محبت و همدلی

پایه‌های ارزش‌های انسانی

در اوان کودکی، مغز کودکان در حال رشد و تکامل است و تجربه‌های اولیه در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای آن‌ها نقش مهمی دارند. محبت و همدلی به کودکان کمک می‌کند احساسات خود را بشناسند و بتوانند با دیگران ارتباط برقرار کنند. این ارتباطات مثبت به کفایت اجتماعی کودکان یاری می‌رسانند و باعث رشد مسئولیت‌پذیری و ارتباط و سازگاری، خوش‌بینی و امیدواری آن‌ها می‌شوند.

هدف اصلی از تقویت محبت و همدلی در کودکان این است که آن‌ها به افرادی دارای ارزش‌های انسانی و اخلاقی قوی تبدیل شوند. این ارزش‌ها باعث می‌شوند کودکان بتوانند با دیگران همدلی کنند و به نیازهای دیگران پاسخ دهند. علاوه بر این، محبت و همدلی به کودکان کمک می‌کند هنگام سختی و مشکلات بهتر عمل کنند و از حمایت‌های اجتماعی بهره‌مند شوند. بنابراین، تقویت محبت و همدلی در کودکان، نه تنها به بهبود رشد عاطفی و اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه نقش مهمی در پرورش انسان‌هایی ایفا می‌کند که ارزش‌های اخلاقی قوی و

تقویت محبت و همدلی در کودکان نه تنها به بهبود رشد عاطفی و اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه نقش مهمی در پرورش انسان‌ها ایفا می‌کند.

محبت و همدلی در آموزه‌های دینی به عنوان راه‌های ایجاد ارتباط مثبت و پایدار بین افراد معرفی شده‌اند. در احادیث، پیشوایان و راهنمایان الهی، همواره بر محبت و همدلی با دیگران تأکید کرده‌اند. این نگرش در سنین کودکی اهمیت بیشتری دارد. محبت و همدلی باعث می‌شود کودکان احساس امنیت و حمایت کنند و این احساسات به آن‌ها کمک می‌کند به طور سالم و متعادل رشد کنند.

چیستی محبت و همدلی

«محبت یعنی اراده‌ی چیزی که خیر آن را می‌بینی و می‌پنداری». یعنی میل و گرایش به سمت چیزی که لذت‌آور است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مورد محبت به کودک می‌فرماید: «فرزندان خود را دوست بدارید و به آن‌ها ترحم کنید» (مجمع‌البیان ج ۱۳).

در روان‌شناسی «همدلی» به توانایی درک علت واکنش‌های افراد در مواقع گوناگون معنی می‌شود. لیکن در منابع اسلامی از همدلی به عنوان همکاری و ارتباط با دیگران در عمل خیر یاد می‌شود. **امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام** می‌فرماید: «مواسات و همدلی روزی را زیاد می‌کند» (تحف‌العقول).

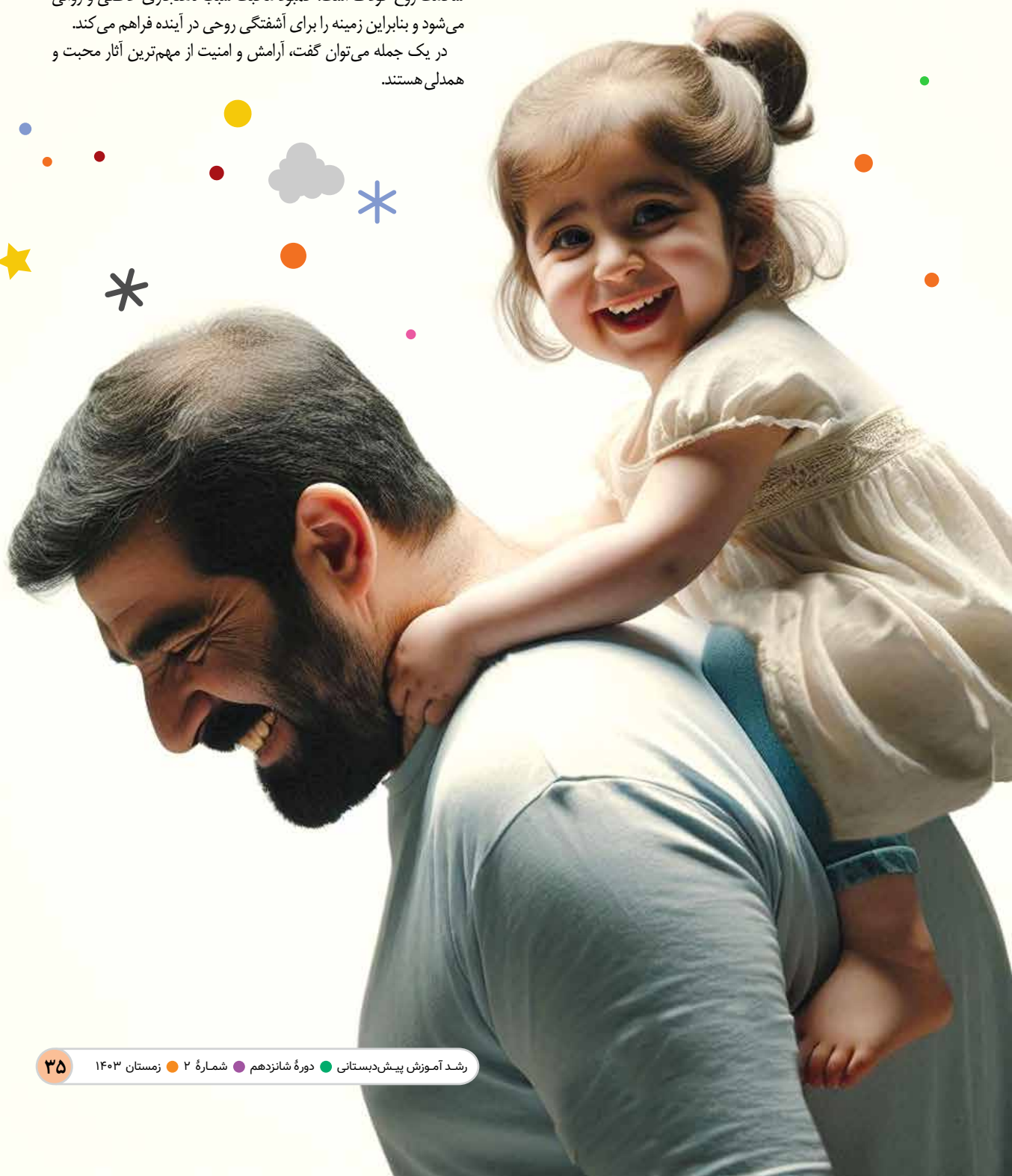
را تحکیم و کدورت‌ها را برطرف می‌کند. وقتی کودکان در محیطی محبت‌آمیز بزرگ می‌شوند، احساس امنیت بیشتری دارند و این احساس امنیت باعث می‌شود بتوانند به‌طور مؤثرتری با چالش‌های پیش رو مواجه شوند. این کودکان معمولاً توانایی بیشتری در مدیریت تنش (استرس) و اضطراب دارند و به‌راحتی می‌توانند با تغییرات و عدم قطعیت‌های زندگی کنار بیایند. هنگامی که به کودک محبت شود، تربیت جامعه عمل می‌پوشد و صفت‌های هنجار و نیک ظهور پیدا می‌کنند.

محبت باید در راستای تربیت کودک باشد. محبت مهم‌ترین عامل سلامت روح کودک است. کمبود محبت سبب ناهنجاری عاطفی و روانی می‌شود و بنابراین زمینه را برای آشفتگی روحی در آینده فراهم می‌کند. در یک جمله می‌توان گفت، آرامش و امنیت از مهم‌ترین آثار محبت و همدلی هستند.

توانایی‌های یادگیری بالا دارند. این ارزش‌ها پایه‌گذار جامعه‌ای انسانی‌تر و باارزش‌تر هستند.

آثار محبت و همدلی

انسان تشنه محبت است؛ تا جایی که گفته‌اند: «لَا تَسْأَلُ عَبِيدَ الْإِحْسَانِ» نیکی و اظهار دوستی می‌تواند انسان را تا سر مرز بندگی پیش ببرد. محبت دوستی‌ها



با درک اینکه دیگران چه احساسی دارند و چه فکری می کنند، واکنش مناسب تری در موقعیت های اجتماعی می توان نشان داد.

رابطه همدلی با افزایش اعتماد به نفس

کسانی که از مهارت اجتماعی برخوردارند، اجتماعی ترند و مشارکت بیشتر، اعتماد به نفس بالاتر و نوع دوستی بیشتری دارند. کمتر تنها می مانند و استقبال از آن ها بیشتر است. لازمه آموزش موفق مهارت های اجتماعی همدلی است. همدلی اجازه می دهد با دیگران روابط اجتماعی برقرار شود. محبت و همدلی به کودکان کمک می کند مهارت های حل مسئله و تفکر انتقادی خود را توسعه دهند.

راهکارهای تقویت محبت و همدلی در کودکان

با درک اینکه دیگران چه احساسی دارند و چه فکری می کنند، واکنش مناسب تری در موقعیت های اجتماعی می توان نشان داد. با واکنش مناسب، فرد احساس مفید بودن می کند و به اعتماد به نفس بیشتری دست می یابد. بررسی ها نشان می دهند با رشد و پرورش همدلی می توان رفتارهای خیرخواهانه را افزایش داد. اکنون پنج راهکار روبرا با هم مرور می کنیم.

۱. بهره گیری از قصه گوئی و داستان سرایی

از قرآن کریم می آموزیم برای ترغیب انسان ها به دین داری می توان از داستان گوئی بهره مند شد. استفاده از داستان های دینی که شامل مضمون محبت و همدلی هستند، می تواند به درک بهتر کودک کمک کند. این روش در عین جذابیت و همراه کردن شنونده، برای پذیرش اهداف داستان زمینه های عاطفی فراهم می کند. داستان هایی مانند داستان حضرت یوسف (علیه السلام) یا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می توانند به کودکان آموزش دهند چگونه باید با دیگران مهربان بود و هنگام سختی و مشکلات از یکدیگر حمایت کرد. قصه گوئی می تواند شنونده را با خود درگیر کند و بدین وسیله او به کشف خود پردازد و رشد کند.



۲. بازی های گروهی

بازی های گروهی و فعالیت های مشترک از جمله بهترین روش ها برای آموزش همدلی هستند. به کودک آموزش می دهند چگونه با دیگران به همکاری پردازد، احساسات دیگری را درک کند و برای حل مشکلات به صورت مشترک بکوشد. بازی فعالیتی طبیعی است که سبب رشد خلاقیت های کودک می شود. کودک از این طریق نحوه زندگی در جامعه را می آموزد.

در بازی ها و کارهای گروهی، مربی باید قوانینی ساده و قابل اجرا برای کودک تعیین کند تا به طور مستمر در فرایند اجرا در کودک نهادینه شود و کودک دائم در حال رشد و کسب تجربه برای مهارت همدلی باشد.



۳. توصیف و تشویق

هر کودکی برای هر عمل نیکی که انجام می دهد، انتظار پاداش دارد و بزرگ ترها باید این انتظار را برآورده سازند. وقتی کودکی به کودک دیگری محبت می کند و با او همدلی نشان می دهد، مربی باید توصیف کند رفتار خوب کودک چه بوده است و به خاطر این رفتار درست او را تشویق کند. مثلاً دوست او خوراکی نداشته و کودک با محبت به دوستش خوراکی می دهد و با او همدلی می کند. مربی باید کار درست و پسندیده کودک را توصیف و تشویق کند.



سخن آخر

همدلی و محبت دو اصل اساسی در آموزه‌های اسلامی هستند که تأثیر عمیقی بر تربیت کودکان دارند. ایجاد محیطی سرشار از محبت و همدلی، نه تنها به رشد عاطفی و اجتماعی کودکان کمک می‌کند، بلکه آن‌ها را برای زندگی بهتر در جامعه آماده می‌کند. والدین و مربیان با تکیه بر آموزه‌های اسلامی می‌توانند کودکانی متعادل، همدل و مسئول تربیت کنند که برای جامعه خود مفید باشند.

والدین و مربیان با تکیه
بر آموزه‌های اسلامی می‌توانند
کودکانی متعادل، همدل و
مسئول تربیت کنند که برای
جامعه خود مفید باشند.

۴. تأکید بر احساس دیگران و کودک

در برخی مواقع مربی قانونی می‌گذارد که حین صحبت کودک، نباید کودک دیگری صحبت کند و برای حرف زدن باید اجازه بگیرد. اگر کودکی این مهم را رعایت کرد، از او بپرسد: «حالا که به این قانون عمل کردی، فکر می‌کنی چه حسی در دوست ایجاد شد؟» و کودک حس دوستش را بازگو کند. به عکس، مربی می‌تواند بپرسد: «حالا که به این قانون عمل کردی، چه احساسی داری؟» با این روش، هم قانون مربی نهادینه شده و هم زمینه حس همدلی به وجود آمده است.



منابع

۱. دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۹). اخلاق اسلامی. نشر معارف. قم.
۲. سیدمحرری، ایمان و غفاری، ابوالفضل (۱۴۰۱). «تحلیل مفهوم‌شناسی همدلی در قرآن کریم». نشریه علمی-پژوهشی آموزه‌های قرآنی. شماره ۸۶.
۳. شریفی‌زارچی، فاطمه و خلعتی، اعظم (۱۳۹۶). «چالش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان و راهکارهای برون‌رفت از آن». دوفصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اسلامی زنان و خانواده. سال چهارم، شماره ۷.
۴. فرهادیان، رضا (۱۳۹۰). والدین و مربیان مسئول. نشر بوستان کتاب. قم.
۵. قائمی، علی (۱۳۷۶). پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان. انتشارات امیری. تهران. چاپ ششم.
۶. مجتبی، جلال (۱۳۷۹). علم اخلاق اسلامی، ترجمه جامع السعاده (ج ۳). نشر حکمت. تهران.
۷. هراتیان، عباسعلی و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۱). «ابطال حرمت خود بر همدلی نوجوانان». فصلنامه روان‌شناسی دین. سال پنجم، شماره ۱.
۸. حرانی، ابن شعبه (۱۳۸۰). تحف العقول عن آل الرسول. ترجمه بهرادر جعفری. نشر دارالکتب الاسلامیه. تهران.
۹. راغب‌اصفهان، ابوالقاسم حسین‌بن محمد (۱۳۸۵). مفردات الفاظ القرآن. ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا. انتشارات سبحان. تهران.
۱۰. طبرسی، فضل‌ابن الحسن (۱۳۵۹). مجمع‌البیان (ج ۱۳). ترجمه احمد بهشتی. انتشارات فراهانی. تهران.

11. khorrami.ir

۵. در آغوش کشیدن و بوسیدن کودک

امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه‌السلام) بهترین خاطرات کودکی را هنگامی می‌داند که در آغوش **پیامبر اکرم (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله)** بوده است. در سنین خردسالی، کودک محبت را از طریق بوسیدن که اظهار محبتی طبیعی و فطری است درک می‌کند. مربی نیز می‌تواند دست‌های کودک را بگیرد و محبت خود را انتقال دهد. **پیامبر اسلام (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله)** فرمودند: «فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه درجه‌ای در بهشت به شما خواهند داد که فاصله هر درجه ۵۰۰ سال خواهد بود» (مجمع‌البیان ج ۱۳).





خلق هویت با هنر خلاق

نقش هنر در پرورش هویت ملی کودکان

اشاره

هنر، به‌ویژه شعر، داستان، نمایشنامه، نقاشی و مصداق‌های آن‌ها، همواره در شناسایی و پاسخ‌گویی به مسئله هویت و هویت‌یابی نقش اساسی و مهمی ایفا کرده و یکی از تأثیرگذارترین ابزارهایی است که با آن می‌توان کودکان را با میراث فرهنگی خود آشنا ساخت، قدرت خلاقیت را در آنان پرورش داد، و به تقویت درونی هویت ملی و عناصر مرتبط با آن در کودکان پرداخت.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، هنر، فعالیت‌های هنری دوره پیش‌دبستانی، اوان کودکی

کودک با هنر نسبتی خدادادی و ذاتی است. ارتباط ذاتی هنر با دوران کودکی آدمی، می‌تواند دربرگیرنده این مفهوم باشد که هنر در ذات خود با فطرت انسان ارتباط دارد. نسبت کودک با هنر نسبتی فطری است که او را به ماهیت اصلی خویش، از ناخودآگاه به خودآگاه می‌رساند.

◀ هویت ملی

امروزه این مفهوم چنان اهمیت یافته است که برخی اندیشمندان، هویت ملی را زیربنای تمامی انواع دیگر هویت‌ها می‌دانند. در واقع، هویت ملی مفهومی دوجبهی است که هم‌زمان بر تشابه و تمایز دلالت دارد. وقتی درباره هویت ملی بحث می‌شود، از یک سو از خصوصیات سخن به میان می‌آید که به موجب آن یک ملت مورد شناسایی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر به ویژگی‌هایی اشاره می‌شود که بر مبنای آن می‌توان ملت‌ها را از یکدیگر متمایز کرد.

میلر، برای تفکیک هویت ملی از سایر هویت‌ها چند مؤلفه را برمی‌شمارد: ➤ تعلق خاطر و باور جمعی و مشترک ملت‌ها به وطن، به یکدیگر و تعهد متقابل در قبال هم؛

➤ داشتن تاریخ و قدمت تاریخی؛

➤ داشتن هویت فعال؛

➤ پیوند و وابستگی مردم به مکان جغرافیایی خاص.

دستیابی به انسجام و وحدت ملی درون جوامعی نظیر ایران که از تجمیع خرده‌فرهنگ‌های گوناگون قومی و مذهبی ایجاد شده‌اند، بیش از هر چیز به تحکیم مؤلفه‌های هویت ملی و میراث مشترک و به‌خصوص هویت ایرانی - اسلامی بستگی دارد. هویت ملی زیربنای تمامی هویت‌هاست، چرا که شکل‌گیری اقسام دیگر هویت تحت تأثیر هویت ملی قرار می‌گیرد.

اوان کودکی زیربنای اصلی شکل‌گیری شخصیت و هویت است و بی‌توجهی به این دوران سرنوشت‌ساز سبب از دست‌دادن فرصت‌های آینده می‌شود. کودکان از سرمایه‌های ملی به شمار می‌آیند که در پیشرفت هر کشوری بی‌شک تأثیرگذارند و توجه به رشد و پرورش کودکان از سنین طفولیت یا همان اوان کودکی اهمیت زیادی دارد. علاوه بر تأکیدات معصومین (علیهم‌السلام) و اندیشمندان در منابع اسلامی، تحقیقات فراوان دانشمندان نیز مؤید این مطلب است که تجربه‌های سال‌های اولیه هر کودک، در چگونگی تشکیل شخصیت و کمال نهایی وی بی‌نهایت تأثیرگذار است؛ تا جایی که در کلام نورانی و مشهوری از امیرالمؤمنین **امام علی (ع)** می‌خوانیم: «یادگیری در کودکی و خردسالی مانند نقش روی سنگ ماندگار است.» (کنزالفوائد ج ۱ ص ۳۱۹).

از جمله عوامل غیرمستقیم در تربیت و یادگیری کودک که تأثیر بسیار زیادی در حوزه فرهنگ‌سازی دارد و یکی از برنامه‌های قابل پیشنهاد در پرورش هویت ملی کودکان محسوب می‌شود، مقوله «هنر» است. نسبت

◀ هنر در دوره پیش دبستانی

هدف سوم از میان هشت هدف آموزش پیش دبستانی، مصوب شورای علمی پیش دبستانی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، از این قرار است: **با مشاهده زیبایی های محیط و خلقت، دریافت های خود را به زبان هنر ابراز کند.**

به علاوه از طریق هنر می توانند به رشد عقلانی و عاطفی دست یابند و هویت خویش را بسازند. همچنین با توجه به تعریفی که ویگوتسکی از مفهوم «واسطه» یا «میانجی» ارائه می دهد، به کارگیری ابزار یا علائم فرهنگی که عموماً هنر حامل آن هاست نیز لزوم استفاده از هنر را بیش از پیش یادآوری می سازد.

جدول ۱. هدف سوم از هدف های هشت گانه برنامه ها و فعالیت های دوره پیش دبستانی، مصوب شورای علمی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

هدف			با مشاهده زیبایی های محیط و خلقت، دریافت های خود را به زبان هنر ابراز کند.
ایده کلیدی			مشاهده زیبایی ها و بیان آن به زبان هنر
استانداردهای محتوا	مفاهیم:	مهارت:	ارزش:
	آشنایی با زیبایی های محیط و عناصر آن - آشنایی با فعالیت های هنری و صنایع دستی - آشنایی با کلمه ها و جمله های نیکو	استفاده از همه حواس (مشاهده چند حسی) - تمییز دادن - خلق اثر - توصیف آثار	علاقه به فعالیت هنری با آزادی عمل - میل به بیان احساسات از مشاهدات چندحسی زیبایی ها و استفاده از کلمه ها و جمله های نیکو - علاقه به شنیدن آواهای متناسب با فطرت - علاقه به هنر ایرانی و صنایع دستی ایران

به جرئت می توان گفت که همه کودکان فعالیت هنری را دوست دارند. به مدد ابزار و روش های گوناگون، کودکان را با مؤلفه های هویت ملی آشنا می سازد. آن ها آثار هنری و تاریخی و نیز آداب و رسوم و سنت های پسندیده کشور را در قالب فعالیت های هنری (شعر و سرود، نقاشی، کاردستی، قصه و نمایش) می شناسند.

جان دیویی، هنر را به مثابه تجربه، مبنای تجدید نظر در زمینه آموزش همه دوره های تحصیلی ذکر می کند و **مانوئل بارکان** که از دیویی تأثیر پذیرفته است، در کتاب «مبانی آموزش هنر» این نکته را بیان می کند که: «آموزش هنری کودکان، آن ها را برای زندگی در جامعه



آماده می‌سازد.» برخی پژوهش‌ها، از جمله پژوهش
نیهان دمیرل (۲۰۱۱)، کاسر (۲۰۱۲)، تمنایی فر
و همکاران (۱۳۸۹)، محمدی و همکاران
(۱۳۹۲)، و خلیفه (۱۳۹۵)، نقش هنر را در
آموزش و تربیت تأیید می‌کنند.

فعالیت‌های هنری کودکان

قصه و داستان

قصه‌ها عامل انتقال میراث فرهنگی و پیوند میان امروز
و گذشته‌اند. کودکان با شنیدن قصه‌ها به آرمان‌ها، آرزوها، رنج‌ها و
شادی‌ها، باورها و نوع زندگی گذشتگان پی می‌برند. گویی قصه‌ها پلی هستند
که کودکان امروز را به روزگار گذشته می‌برند. پژوهش‌های **بیدمشکی**
(۱۳۹۶)، **شمشیری و ذاکری** (۱۳۹۴)، و **خسرونژاد** (۱۳۸۷) تأثیر
قصه‌ها را بر جامعه‌پذیری و هویت ملی کودکان و مفهوم هویت ملی در
داستان‌ها و قصه‌ها را بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که قصه‌ها می‌توانند به
عنوان ابزار کارآمدی بر هویت ملی کودکان تأثیر بگذارند.
آنچه در قصه‌ها از رسوم، سنت‌ها، نحوهٔ معیشت، باورها، و بیم‌ها و امیدهای
انسان‌های گذشته در تاریخ می‌آید، به کودکان کمک می‌کند با تاریخ
گذشتهٔ زندگی انسان‌ها و مردم کشورش آشنا شود.

کاردستی

کودکان با ساختن انواع کاردستی در مناسبت‌های اجتماعی، با آداب و رسوم
و فرهنگ جامعهٔ خود آشنا می‌شوند.

سرودها و شعرها

کودکان باید با انواع سرودها و نغمه‌های ملی و
محلی خود آشنا شوند، زیرا هر ملتی وارث تاریخ
و تمدن خود است و با آن زندگی می‌کند، به
آن می‌بالد و برای حفظ آن می‌کوشد. سرودهای
ملی و محلی و نغمه‌های مذهبی از مظاهر میراث
فرهنگی یک ملت هستند، سند هویت و شناسنامهٔ
فرهنگی آن ملت به شمار می‌آیند و باید در انتقال
آن‌ها به کودکان تلاش کرد.

همهٔ کودکان فعالیت هنری
را دوست دارند. هنر به مدد
ابزار و روش‌های گوناگون،
کودکان را با مؤلفه‌های هویت
ملی آشنایی می‌سازد.

نقاشی

تلفیق نقاشی با فعالیت‌های هنری دیگر، مثل شعر، قصه و... که در
رابطه با تعلقات ملی، تقویت علاقه و احترام به نمادهای ملی، و احترام
گذاشتن به آداب و رسوم و مناسبت‌های دینی و ملی باشد، فرصت‌هایی را
فراهم می‌آورد تا کودکان با مناسبت‌های گوناگون اجتماعی و آداب و رسوم
و فرهنگ جامعهٔ خود آشنا شوند.

ارتباط با طبیعت

طبیعت منبع الهام هنری است. طبیعت اولین الهام‌دهندهٔ انسان بوده،
زیرا خدای مهربان آن را در فطرت انسان به ودیعه قرار داده است. ارتباط با
طبیعت و یادگیری نوآموزان از کلاس در بیرون از کلاس گسترش می‌یابد
و نوآموزان با گونه‌های جانوری و گیاهی ارزشمند بوم خود و ویژگی‌های
زیست‌محیطی خود آشنا می‌شوند.



– نمایش خلاق

کودکان در نمایش خلاق به‌طور خودانگیزه بسیاری از یادگیری‌های اجتماعی، مانند مشارکت در کار گروهی، همکاری، مقید شدن به آداب و رسوم، مهارت‌های ارتباطی، رعایت نوبت، آگاهی و استفاده از احساسات و تبعیت از قوانین اجتماعی را فرا می‌گیرند. در واقع، با نمایش خلاق می‌توان مفاهیم ارزشمند و مهارت‌های کاربردی زندگی و جامعه را، همچون دین، فرهنگ، تمدن، ارزش‌های اخلاقی (نظم‌پذیری، مدیریت خشم و

احترام به هم‌نوع) که یادگیری آن‌ها برای کودکان لازم و ضروری است، با روشی غیرمستقیم به کودکان آموزش داد.

◀ نتیجه‌گیری و تحلیل

هنر که باورهای جامعه را متجلی می‌سازد، یکی از عوامل بروزدهندۀ هویت، به ویژه هویت ملی است. حضور در تعاملات اجتماعی، آشنایی با آداب و رسوم، و آشنایی با ارزش‌ها و اخلاقیات، مهم‌ترین ثمرات هنر در تربیت کودکان هستند.

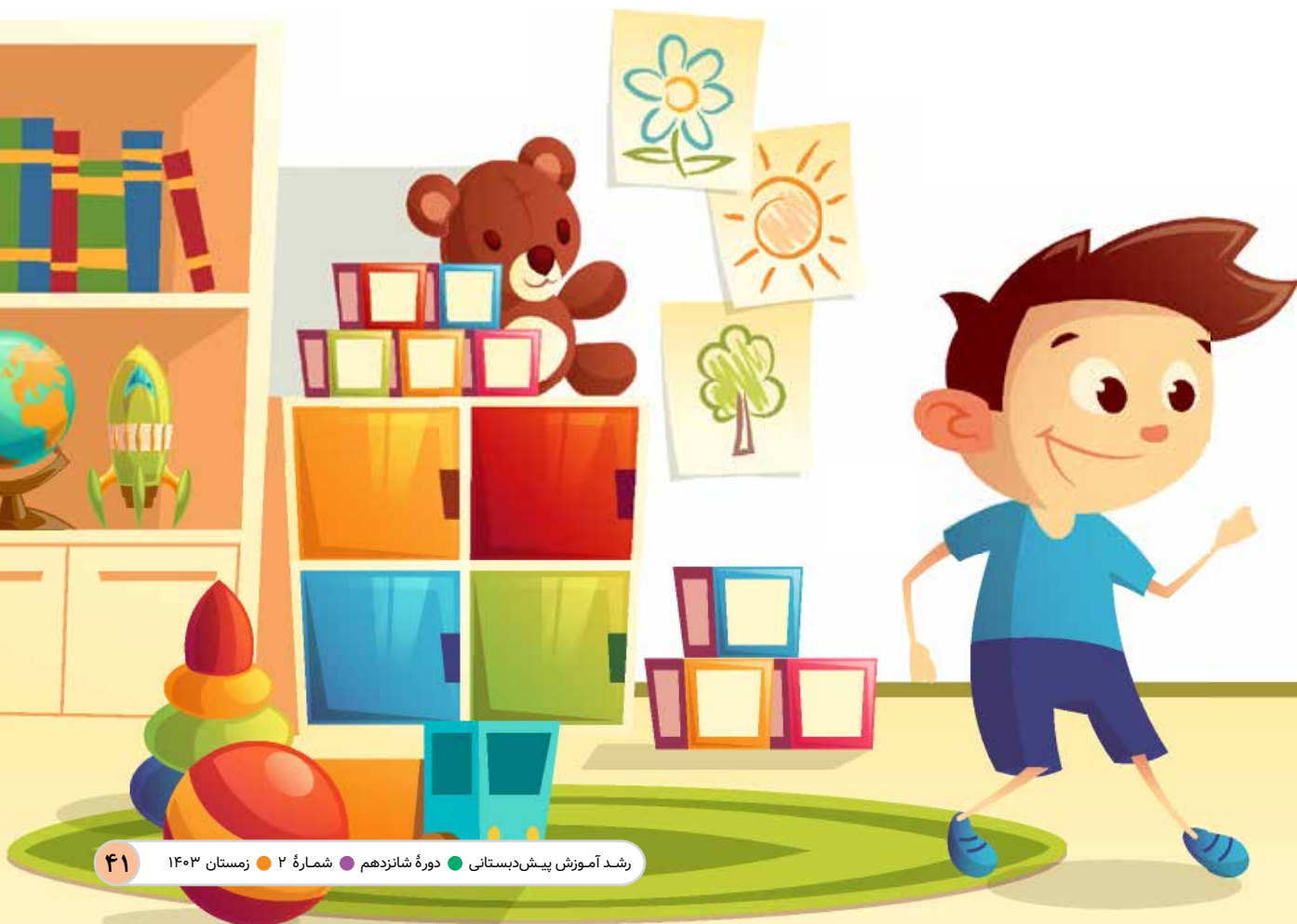
فعالیت‌های هنری ظرفیت تفکر را توسعه می‌بخشند، شیوه‌های تفکر را بنیان می‌نهند و روش‌های ماهرانه‌ای برای ارتباط با جهان پایه‌گذاری

می‌کنند. لذا فعالیت‌های هنری، متناسب با شرایط سنی و محیطی کودک، نقشی اساسی در رشد همه‌جانبهٔ کودکان دارند و با توجه به اثرپذیری بالا در دوران کودکی، از طریق فعالیت‌های هنری (نقاشی، کاردستی، قصه و نمایش خلاق، تربیت شنوایی)، می‌توان کودکان را با هویت ملی، فرهنگ بومی و قوانین اجتماعی کشورشان آشنا کرد.

منابع

۱. اصلانی، ن. و مالکی گمچی، ا. (۱۳۹۴). «هویت ملی و هویت ایرانی - اسلامی بنیاد انسجام و هم‌بستگی ملی اقوام». هشتمین کنگرهٔ انجمن ژئوپلیتیک ایران: همدلی اقوام ایرانی، انسجام و اقتدار ملی، سنندج.
۲. لقمانیا، م.؛ خامسان، ا.؛ آیتی، م.؛ خلیفه، م. (۱۳۹۰). «شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی بر اساس نظریهٔ داده بنیاد». فصلنامهٔ نوآوری‌های آموزشی. دورهٔ دهم، شمارهٔ ۴۰.
۳. تقی‌زاده، ع. (۱۳۹۵). «نقش هنر در آموزش و پرورش کودکان دبستانی». کنگرهٔ بین‌المللی علوم اسلامی و علوم انسانی. تهران.
۴. کراچکی، محمدبن علی؛ نعمه، عبدالله. (۱۳۸۳). «کنزالفوائد» (ج ۱). نشر مجمع ذخائر اسلامی.

فعالیت‌های هنری ظرفیت تفکر را توسعه می‌بخشند، شیوه‌های تفکر را بنیان می‌نهند و روش‌های ماهرانه‌ای برای ارتباط با جهان پایه‌گذاری می‌کنند.



سواد مالی کودکان

سواد مالی برای کودکان چرا بله؟! چرا نه؟!

اشاره

آن‌ها که با مسائل مالی دست به گریبان‌اند یا آن‌ها که نیستند، هر دو آرزومند آینده‌ای خوب برای فرزندانشان هستند. یکی از ابعاد این «آینده خوب»، وضع مالی مناسب است. زندگی امروز مانند زندگی ۱۰ سال پیش نیست. وقتی درباره تغییرات حرف می‌زنیم، کمتر می‌گوییم: «۵۰ سال پیش ...» یا: «۳۰ سال پیش ...». تغییرات در مقایسه با پنج یا سه سال پیش هم زیاد و به‌ویژه در حوزه اقتصاد روشن است.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، تربیت مالی، سبک‌های تربیتی، فعالیت‌های پیش‌دبستانی

به‌تمامی در یکی از این دو سو باشد، اما رعایت تعادل در برنامه‌های آموزشی و تربیتی و شروع به‌موقع آن‌ها نیز آسان نیست. درباره آموزش سواد مالی ممکن است این باور در خانواده‌ها وجود داشته باشد که: «نمی‌خواهیم از کودکی فرزندان را درگیر مسائل مالی کنیم و یک‌جور تربیت مالی را هم در دستور کار زندگی خود قرار دهیم، بلکه می‌خواهیم همه خواسته‌های فرزندان را برآورده کنیم تا چیزی در دل او نماند.» اما

آینده فراز و نشیب‌ها، مسائل و مشکلات مالی و اقتصادی خاص خود را دارد و لزوماً نمی‌توان پاسخ‌ها و راه‌حل‌های پیش‌بینی‌شده‌ای را به بچه‌ها گفت تا در آینده آسان‌تر زندگی کنند، بلکه باید توانایی طی راه‌ها و رسیدن به جواب و قدرت اجرای فرایند دستیابی به راه‌حل را در اختیار آن‌ها به‌وجود آورد. برای مثال، ما مطمئن هستیم فرزندان در آینده از خانه به جاهایی خواهد رفت و از جاهایی به خانه خواهد آمد. «رفت‌وآمد» یکی از ضرورت‌های زندگی است. این موضوع نیازمند رشد حسی-حرکتی اوست که از شش‌ماهگی با نشستن و چهار دست‌وپا رفتن آغاز و تا دوسالگی به راه‌رفتن ختم می‌شود. ما نمی‌دانیم مقصدهای او کجاست، اما مطمئن می‌شویم فرزندان «راه‌رفتن» بلد است. اگر در مدت دو سال ابتدایی زندگی توانایی‌های حرکتی لازم را از خود نشان ندهد، نگران می‌شویم و سراغ دکتر و درمان می‌رویم.

➡ رهاسازی، سخت‌گیری یا آمادگی

در ایجاد آمادگی در فرزندان برای زندگی تردیدی نداریم، اما روش‌های گوناگون و سبک‌های متفاوتی در تربیات و پرورش آن‌ها داریم؛ از سخت‌گیری در یک برنامه پرحجم و متنوع تربیتی گرفته، تا آسان‌گیری و بی‌برنامگی. از شروع زود هنگام آموزش انواع موضوع‌ها تا پرورش یک‌سویه و متمرکز بر درس و درس. گرچه هیچ خانواده‌ای را نمی‌توان یافت که



این خودش تربیت مالی است و به این معنی که: «فرزندم! همیشه یک دیگری وجود دارد که هر

چه بخوای برای تو فراهم می‌کند.» این گونه است که وابستگی مالی نامناسبی را در او پرورش می‌دهیم، چراکه این سبک تربیتی در امور مالی خانواده، عضلات مالی و تصمیم‌گیری فرزند را ضعیف می‌کند. در نتیجه آنگاه که باید تصمیم بگیرد، نمی‌تواند تصمیم بگیرد یا تصمیم اشتباهی می‌گیرد.

برای مثال، پدر یا مادری بگوید: «الان چه نیازی است که او راه‌رفتن بیاموزد و راه برود؟ تا زمانی که من بتوانم او را بغل کنم، بغلش می‌کنم و هر جا بخواید او را می‌برم.»

می‌دانیم که هیچ پدر و مادری چنین نمی‌گوید؛ چون از یک طرف، وزن فرزند در طول زمان بیشتر می‌شود و از طرف دیگر قدرت پدر و مادر برای جابه‌جایی او کافی نخواهد بود.

← آینده‌های ممکن

روزی می‌رسد که فرزند رشد می‌کند و می‌خواهد خودش تصمیم‌های مالی بگیرد یا پدر و مادر توان پشتیبانی مالی و برآوردن خواسته‌های او را ندارند. اما آیا فرزند برای آن روز آماده شده است؟ در آموزش دانش‌آموزان و دانشجویان تجربه عجیبی از فرزندان داشتم که همه چیز برای آن‌ها فراهم بود؛ فرزندان که از وقتی خودشان و پدر و مادرشان را شناخته‌اند، از آن‌ها درخواست کرده‌اند. البته با انواع ترفندها از ناز کردن و گریه تا جاروچنگال و لجبازی و عصبانیت؛ و پدر و مادر با شوق یا به‌اجبار برایشان فراهم ساخته‌اند.

هیچ چیز چنین فرزندان را خوش‌حال نمی‌کند. هر هدفی در دسترس آن‌هاست و در نتیجه از یک‌سو در خود انگیزه حرکت و پویایی نمی‌بینند؛ چرا که خرج هر هدف، فقط درخواست است و نه تلاش و صبر که این با واقعیت زندگی همخوان نیست. از سوی دیگر، به غیر از پدر و مادر و مربیان، اطرافیان هم نمی‌دانند چگونه می‌توانند چنین فرزندی را مثلاً در روز تولدش خوش‌حال کنند، چرا که همه چیز دارد و نمی‌توان با هر هدیه‌ای انتظارش را برآورده کرد. این دست از فرزندان در دوران نوجوانی دنبال کار بوده‌اند و می‌خواسته‌اند خودشان درآمد داشته باشند. «کار برای درآمد» و این نقطه عطفی در تربیت غلط مالی آن‌هاست. زیرا بدون کسب مهارت و انگیزه‌های لازم در دوران کودکی،

پا به عرصه کسب درآمد گذاشته‌اند که با آموزه‌ها و مهارت‌های پایه در سواد مالی سازگار نیست. آن‌ها از اینکه از پدر و مادر پول بگیرند خسته شده بودند؛ گرچه پدر و مادر با تأمین مالی آن‌ها مشکلی نداشتند و دوست داشتند فرزندشان بر درس خواندن متمرکز شود. اما فرزند در این دوره دنبال تجربه چیزی بوده که نداشته است: استقلال و تصمیم‌گیری مالی برای خودش.

دوران نوجوانی و حتی در آستانه جوانی، تغییرات روانی و زیستی فرزندان ما بسیار زیاد است و مدیریت این دوران جدا از مسائل مالی، برای پدران و مادران دشوار و بحرانی است؛ چه رسد به اینکه پای امور مالی هم به میان آید. راه‌حل در سال‌های قبل از این دوران و در اوان کودکی است که ساختارهای ذهنی و بنیان‌های رفتاری شکل می‌گیرند. سواد مالی از مجموعه مهارت‌های زندگی است که هر قدر

آینده فراز و نشیب‌ها، مسائل و مشکلات مالی و اقتصادی خاص خود را دارد و لزوماً نمی‌توان پاسخ‌ها و راه‌حل‌های پیش‌بینی شده‌ای به بچه‌ها داد تا در آینده آسان‌تر زندگی کنند، بلکه باید توانایی طی راه‌ها و رسیدن به جواب و قدرت اجرای فرایند دستیابی به راه‌حل را در آن‌ها به‌وجود آورد.



حتی اندام‌های داخلی مانند قلب و کبد، به ورزش مناسب سن و توانایی خود نیاز دارد. اینکه چه رشته ورزشی را ممکن است ادامه بدهد یا برای قهرمانی کشوری یا جهانی تلاش کند، موضوع ورزش همگانی نیست. سواد مالی مانند ورزش همگانی است، نه قهرمانی.

بدون کسب مهارت و انگیزه‌های لازم در دوران کودکی، پایه عرصه کسب درآمد گذاشته‌اند که با آموزه‌ها و مهارت‌های پایه در سواد مالی سازگار نیست.

فرزند رشد می‌کند، احتیاجش به آن بیشتر می‌شود. اما زمانی که به آن نیاز دارد، زمان به‌عمل‌درآوردن دانش خود است و نه یادگیری.

❶ آغاز تربیت مالی

تربیت در امور مالی می‌تواند از پنج‌سالگی آغاز شود. خانواده ممکن است با خود بگوید: «بچه خیلی کوچک است و نمی‌خواهم آلوده امور مالی، خرج‌نکردن و پس‌انداز کردن یا خرید کردن و حتی خرید رمزارز یا کسب‌وکار و خریدوفروش و بازارچه بشود!» و راست می‌گوید و ما هم مخالف این موضوع هستیم. در این جمله که نقطه آغاز آموزش سواد مالی پنج‌سالگی است، دو عبارت کلیدی نهفته است: «پنج‌سالگی» که روشن است و «سواد مالی» که ابهام دارد. افراد غیرحرفه‌ای تصویر ناقص و اشتباهی از سواد مالی ارائه داده‌اند: «سواد مالی یعنی پس‌انداز، معامله‌گری در بورس و یا رمز ارز» و متأسفانه برخی کودکان‌ها و مدرسه‌ها هم در این مسیر همراه آن‌ها شده‌اند که مثلاً «سواد مالی یعنی خریدوفروش؛ یعنی بازارچه». یا خانواده‌ها تصویری عرفی و عمومی از این مفهوم دارند و سواد مالی را خرج‌نکردن یا سخت‌گرفتن در امور مالی می‌دانند.

برای مثال، وقتی می‌گوییم «فرزند شما و هر انسانی به ورزش احتیاج دارد»، به این معنی نیست که باید برای قهرمانی المپیک در رشته کشتی، مانند یک ورزشکار حرفه‌ای تمرین کند، بلکه به معنای آن است که هر بدنی برای حفظ و رشد عضلات، درست راه رفتن و درست نشستن و آسیب‌نزدیدن

❷ نمونه‌های سواد مالی کودکان

سواد مالی یک استاندارد آموزشی دارد و آن استاندارد می‌گوید که چه میزان از چه مفهومی از سواد مالی برای چه سنی مناسب است. برای مثال درست است که پس‌انداز یک مفهوم از سواد مالی است، اما استاندارد آموزش سواد مالی می‌گوید، برای درک این مفهوم در دوره سنی پنج تا هفت سال یا همان پیش‌دبستانی، فقط کافی است فرزند شما پول به شکل اسکناس (نه الکترونیکی) در اختیار داشته باشد، آن را بشناسد و بداند ارزش دارد، و از آن در جایی در کنار اسباب‌بازی‌های خود نگهداری کند؛ همین!

بر اساس استاندارد سواد مالی شش سرفصل دارد: **خرج و پس‌انداز؛ اعتبار و بدهی؛ کار یابی و درآمد؛ سرمایه‌گذاری؛ مدیریت خطریابی و بیمه؛ تصمیم‌گیری مالی.** این سرفصل‌ها ۳۶ موضوع را دربر می‌گیرند که ۱۲۷ مفهوم زیرمجموعه این موضوع‌ها هستند. مجموعه این مفاهیم طی ۱۴ سال تحصیلی، از پیش‌دبستانی تا انتهای دبیرستان، به‌تدریج و به شکل نردبانی (یک مفهوم بر پایه مفهوم دیگر، مانند مثال پس‌انداز) آموزش داده می‌شوند. برای



نمونه، این استاندارد برای کودکان از پنج تا هفت سال هیچ مفهومی از سرمایه‌گذاری را در نظر نگرفته است. یا دربارهٔ خرج کردن، در پایان این دوره سنی باید یک موقعیت خرید را تجربه کرده باشد. برای مثال شما در فروشگاه (واقعی و نه اینترنتی) به او اجازه داده‌اید کالایی را انتخاب کند و مبلغ آن را بپردازد؛ همین!

❖ شیوه‌های توانمندسازی

وقتی با پدران و مادران و همچنین مدیران و مربیان پیش‌دبستانی‌ها دربارهٔ آموزش سواد مالی گفت‌وگو یا بهتر بگوییم بحث می‌کنیم، در نهایت به یک توافق خوب می‌رسیم که می‌توانیم آن را در یک بیانیه اعلام می‌کنیم: «شما مانند ما با آموزش سواد مالی، با

مفاهیم درست و به‌اندازه، و شیوه‌ای مناسب و متناسب با دورهٔ سنی کودکان موافق هستید. ما هم مانند شما با آموزش سواد مالی با مفهومی‌های غیردقیق و غیرحرفه‌ای بر اساس فهم عرفی و به شیوه‌ای نامناسب و نامتناسب با سن فرزندان مخالفیم.»

ممکن است خانواده با مراکز پیش‌دبستانی و مدرسه‌ها تصور کنند «امور مالی و سواد مالی کار کردن با عددها و حساب و کتاب و دودو تا چهار تا است و آموزش

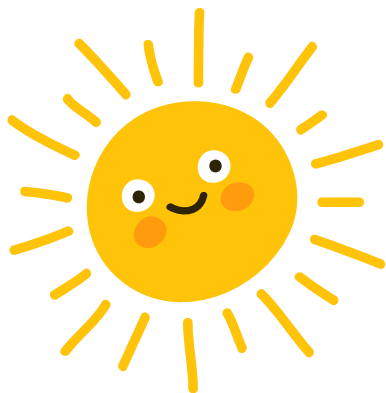
آن برای کودکان سخت و صدها شک و بی‌روح است.» راست می‌گویند و ما هم با این برداشت از سواد مالی مخالفیم. سواد مالی بیشتر از آنکه یک موضوع دانشی و نیازمند تدریس و آموزش باشد، یک موضوع مهارتی و نیازمند تعلیم و پرورش است. شیوهٔ مناسب یادگیری سواد مالی، به‌ویژه در دورهٔ خردسالی، شیوه‌های غیرمستقیم از بازی و کاردستی گرفته تا تماشای نمایش است. مانند انواع فعالیت‌ها و بازی‌های پرورشی و تعلیمی، فعالیت‌ها و مسابقه‌های فردی و گروهی، خواندن سرود و گوش دادن به قصه‌های کودکان که همگی به‌گونه‌ای دربارهٔ امور مالی و مناسب نشان هستند

سواد مالی بیشتر از آنکه یک موضوع دانشی و نیازمند تدریس و آموزش باشد، یک موضوع مهارتی و نیازمند تعلیم و پرورش است.

منابع

۱. نویسنده ناشناس (۱۳۹۷). سنگ بنای سواد مالی. ترجمهٔ سودابه فرخنده. نشر قدیانی. تهران.
۲. پاینده، رضا و جلداتی، عاطفه (۱۳۹۷). پری نشان پرواز، چرخ در هوای سواد مالی. نشر قدیانی. تهران.





● مریم سادات میری و زهرا هاشمی

● دانش آموزان سطح سه تربیت دینی کودک و نوجوان



قصه‌ها و غنچه‌های ایمان

تأثیر قصص دینی بر رشد شناختی و عاطفی کودک

اشاره

هنر و دین از مقوله‌هایی هستند که از آغاز آفرینش انسان تاکنون همگام با یکدیگر حیات و هستی بشر را در بر گرفته‌اند. این پیوند و پیوستگی بین دین و هنر، ریشه در عمق هستی انسان و جهان دارد و می‌توان راز عبارت قرآنی «فَطَرَتِ اللَّهُ الْبَتَّى فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا» را از آن‌ها دریافت. ادبیات و هنرهای ادبی نیز از دیرباز از مهم‌ترین و متداول‌ترین شاخه‌های هنر به شمار می‌آمده‌اند و حتی با ظهور هنرهای جدید، هنوز هم از رواج و رونق نیتاده‌اند. یکی از مصداق‌های بارز هنرهای ادبی قصه است.

کلیدواژه‌ها: قصه‌های دینی، الگودهی، رشد شناختی، رشد عاطفی

قصه‌ها به علت کشش، زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارند، می‌توانند در انتقال بسیاری از مفاهیم به روش غیرمستقیم عمل کنند و نه تنها باعث جذب بهتر و سریع‌تر مفاهیم به ذهن و زبان کودک شوند، بلکه فهم آن را آسان‌تر و ساده‌تر کنند.

در فرهنگ‌های متفاوت، از قصه‌گویی به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی انتقال ارزش‌ها، اخلاقیات و دانش به نسل‌های بعد استفاده می‌شود. داستان جذاب بر رشد و تعالی کودکان تأثیر قابل توجهی دارد.

قصه‌گویی روش و راهبردی است برای عینی کردن مفاهیم قرآنی. کتاب آسمانی ما، در عصری که ادبیات داستانی شفاهی بود، به این مهم پرداخت و در بهترین شکل و شیوه آن را عرضه کرد. قرآن از قصه به‌عنوان روش آموزش و انتقال ارزش‌های ناب انسانی و اسلامی، توانمند کردن افراد برای غلبه بر مشکلات، و پرورش انسانی اجتماعی استفاده کرده است تا در جامعه با رعایت اصول، قواعد و مناسبت‌های اجتماعی و اخلاقی و دینی رفتار کند. استفاده از روش قصه‌گویی هرچند برای همه افراد مفید و جذاب است، در تربیت کودک نقش بسزایی دارد. کمک به تقویت و پرورش قدرت بیان و نیروی تخیل کودکان، و تحریک قوه ابتکار و ابداع، رشد

اعتماد به نفس، و برآوردن نیازهای عاطفی کودک، و نیز آماده کردن او برای دریافت پیام‌های اخلاقی و انسانی، از فایده‌های قصه در تربیت و یادگیری کودکان است. علاوه بر این، قصه در رشد روانی و اخلاقی کودکان تأثیر بسیار دارد.

قصه‌ها کودکان را با واژه‌ها، اصطلاحات، نام‌ها، ضرب‌المثل‌ها و ... آشنا می‌کنند. قصه و داستان علاوه بر رشد اجتماعی، در زبان‌آموزی و کسب مهارت‌های ادبی، شنیداری و ارتباطی به کار می‌رود.

برخی ویژگی‌های قصه‌های کودکانه

۱. واژه‌ها و اصطلاحات قصه‌ها با رشد ذهنی و

درک واژگان کودک متناسب هستند.

۲. در آن‌ها کلمه‌های نامأنوس به کار نمی‌روند. زیرا رعایت نکردن این نکته، باعث به‌وجود آمدن خلأهای مفهومی در ذهن کودک می‌شود و نتیجه آن برداشت نادرست پیام قصه خواهد بود.

۳. قصه‌ها با اصول و اهداف برنامه تربیت و یادگیری منطبق هستند.

قصه‌ها به علت کشش، زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارند، می‌توانند در انتقال بسیاری از مفاهیم به روش غیرمستقیم عمل کنند.

لذا شایسته است نویسندگان محترم بعد از نوشتن هر قصه نظر مشاوران و کارشناسان تعلیم و تربیت را درباره آن جویا شوند.

◀ معرفی الگوهای صحیح در قصه‌گویی

یکی از شیوه‌های مؤثر در تربیت «روش الگویی» است. در این روش فرد یا افرادی به عنوان سرمشق و الگو معرفی می‌شوند و متریبان تحت تأثیر مشاهده، از رفتار دیگران پیروی و خود را با آن همساز می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت: «الگو» پیروی عینی و مشهود از یک اندیشه و عمل در جنبه‌های گوناگون برای رسیدن به کمال است.

کودک در چند سال نخست زندگی خود، همه کارهایش را از افراد پیرامون خود که در درجه اول پدر و مادر او هستند، الگو می‌گیرد و با تقلید از آنان رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد. در واقع تقلید یکی از روش‌های مؤثر، نیرومند و ریشه‌دار در انسان است و کودک بسیاری از رسم‌های زندگی، آداب معاشرت، غذاخوردن، لباس پوشیدن، طرز تکلم، و ادای کلمه‌ها و جمله‌ها را از پدر و مادر و سایر معاشران فرامی‌گیرد و به کار می‌بندد.

برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند، از سنین تشخیص، یعنی حدود شش سالگی، پسران از پدران تقلید می‌کنند و دختران از مادران، و این تقلید در آنان ناآگاهانه است. کودک در مسیر رشد از افراد بسیاری

الگو می‌پذیرد و تحت تأثیر دیده‌ها و شنیده‌های بسیاری است. همه اطرافیان به گونه‌ای در او اثر می‌گذارند و الگوی کودک‌اند، ولی والدین از همه آن‌ها مهم‌تر و مؤثرترند و این تأثیر در کودکان تا سنین نوجوانی همچنان تداوم دارد.

◀ پیامد معرفی الگو در قصه

کودکان با خواندن قصه‌ها و داستان‌ها، به‌ویژه قصه‌های دینی و قرآنی، بین خود و قهرمان داستان نوعی رابطه ایجاد و خود را به او نزدیک می‌کنند؛ به گونه‌ای که از این رابطه احساس امنیت و آرامش می‌کنند. بنابراین، اقدامات و اعمال قهرمان قصه را به عنوان نکته‌های مورد قبول می‌پذیرند و این اعمال را شایسته به کارگیری در رفتار و حرکات‌های خود تلقی می‌کنند. حتی به کارگیری این اعمال را نوعی ویژگی و افتخار برای خود می‌دانند. از سوی دیگر، همراهی با قهرمان قصه باعث می‌شود صفت‌ها و ارزش‌های وی با روح و جان کودکان آمیخته شود. به همین

دلیل، وقتی قهرمان قصه به علت خوبی و صداقت مورد حسد واقع می‌شود، آنان از خود واکنش نشان می‌دهند

و در این مورد سؤال‌های مکرری مطرح

می‌کنند، با به کارگیری داستان‌هایی

درباره پیامبران و معصومین

(علیه‌م‌السلام)

و ویژگی‌های



شخصیتی آنان، پیروان و یارانشان، می‌توان الگوهای واقعی را در زمینه‌های اخلاق و رفتارهای پسندیده به کودکان معرفی کرد و اثری عمیق در شناخت، افکار و عقاید آنان به وجود آورد. همچنین زمینه‌های رشد شناختی و حسی دینی را در آنان تقویت کرد.

ایجاد محبت نسبت به الگوهای قرآنی

یکی از ابزارهایی که می‌توان از آن در تربیت فرزندان استفاده کرد، محبت کردن است. محبت عامل بسیار مهمی در جذب افراد است و اثر آن روی فرد بسیار عمیق و ماندگار است. مربی می‌تواند نکات تربیتی خود را به کودک القا و تغییر رفتار را در او مشاهده کند.

ادیان الهی، به‌ویژه اسلام، بر پایه محبت به دل‌ها رسوخ می‌کنند و پایدار می‌مانند. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) استفاده از نیروی محبت بوده است. زیرا این روش هم در افراد جاذبه ایجاد می‌کند و هم بر انگیزه آن‌ها می‌افزاید. محبت از نظر تربیتی نیرویی عظیم و کارساز است، زیرا با فطرت و سرشت آدمی سازگاری زیادی دارد و پذیرش آن از ناحیه درون است. محبت همچنین اطاعت‌آور است و متربی را با والدین و مربی همراه می‌کند.

چند نکته و پیشنهاد

- فرصت‌دادن برای حرف‌زدن به کودک، بعد از بیان قصه یا هنگام قصه‌گویی.
- این روش از نظر عاطفی و ذهنی و رشد عقلی برای کودک مفید است.
- قصه‌گویی در جمع‌های خانوادگی و شنیدن داستان به شکل گروهی در مهمانی‌های خانوادگی یا جمع‌های دوستانه؛ در این صورت قصه برای کودک به جریانی تربیتی و اجتماعی تبدیل می‌شود.
- بردن کودکان به نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های کتاب به صورت هدفمند، به این منظور که کودک بین کتاب‌ها بگردد و با کمک بزرگ‌ترها کتاب‌های مورد علاقه خود را بیابد.
- همچنین عضو کردن کودکان در کتابخانه‌های عمومی.

سخن آخر

در قصه‌گویی، با بهره‌گیری از داستان‌های قرآنی به‌عنوان روش آموزش و توانمندسازی کودکان، می‌توان به بهبود رفتارها، تقویت مهارت‌های اجتماعی و افزایش اعتمادبه‌نفس آن‌ها کمک کرد. این روش باید با دیگر راهبردهای تربیتی و آموزشی تلفیق شود تا اثرگذاری بیشتری داشته باشد. قصه‌گویی همچنین می‌تواند به بهبود سلامت روان و افزایش تاب‌آوری کودک کمک کند.

از قصه‌های دینی و قرآنی مناسب کودکان برای تقویت حس دینی، پرورش هویت اسلامی و تحقق تربیت قرآنی استفاده شود، اما توجه به ویژگی‌ها و شاخص‌های علمی و تربیتی در انتخاب و بیان قصه برای کودکان زیر هفت سال یا همان دوره پیش‌دبستانی، بسیار مهم و ضروری است.

انتخاب کارشناسان موضوع و مفهوم قصه، واژگان آن و همچنین طولانی‌نبودن قصه برای سنین کودکی از موارد قابل توجهی است.

منابع

- خلجی، حسن (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر تربیتی قصه‌های قرآنی در تربیت دینی کودکان». نشریه علمی تخصصی پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی. سال اول. شماره ۱.
- یاری‌قلی، بهبود و خانی خسروشاهی، مهدیه (۱۳۹۸). «بررسی اثربخشی آموزش قصه‌های قرآنی بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان». نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال بیست‌وهشتم. شماره ۴۸.
- نورتون، دونا (۱۳۸۲). شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها. ترجمه منصوره راعی، ثریا قزل‌ایاغ و دیگران. نشر قلمرو. تهران.
- بتلهایم، برونو (۱۳۸۱). افسون افسانه‌ها. ترجمه اختر شریعت‌زاده. انتشارات هرمس. تهران.
- کولینان، برنیس ای (۱۳۸۲). برایم بخوان. ترجمه فاطمه امین ناصری. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران.



محبت کردن به کودکان را از سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بیاموزیم.



۲۲ بهمن فرصتی برای هویت بخشی به کودکان

